اقتصاد کلان
MACRO ECONOMIC
WWW.EGHTESAD-KALAN.COM
نشریه اقتصاد کلان
۸
دیدگاه خود را در مورد مطالب این صفحه برای ما ارسال کنید

اعتیاد کلمه ای نام آشنا که روز به روز آمار مبتلایان این بلای خانمان سوز در زیر سایه سوء مدیریتی مسئولین در حال افزایش بوده و در کنار آن سن مصرف مواد با کاهش مواجه است. امروزه گرایش به مصرف مواد مخدر در میان جوانان و نوجوانان اعم از پسر و دختر بسیار زیاد است و در بیشتر موارد این افراد از سوی خانواده هایشان ترد و آواره خیابان های شهر می شوند. اگر گشتی در سطح شهر ها داشته باشید بی کمان معتادینی را خواهید دید که کف خیابان ها دراز کشیده اند که به گفته افراد جامعه وجود این کارتن خواب ها سیمای شهر را زشت کرده است. شهر سنندج نیز از این درد و رنج بی نصیب نمانده و در خیابان ها، پارک ها و بوستان های شهر می توان کارتن خواب ها را دید. آنچه دل هر بیننده ای را به درد می آورد وجود زنان کارتن خوابی است که آواره خیابان ها و پارک های شهر هستند.

آنچه در این میان قابل تحسین است وجود انجمن ها و گروه های مردم نهاد از جمله موسسه پایان کارتن خوابی می باشد که به منظور شناسایی و کاهش کارتن خوابی تشکیل شده است و خدماتی به کارتن خواب ها ارائه می دهند. همراه با چند نفر از اعضای این موسسه جهت انجام تست ایدز از کارتن خواب ها به یکی از بوستان های سنندج رفتیم و در آنجا با دو نفر از زنان کارتن خواب گفتگویی داشتیم که در ادامه می خوانید. دلنیا زن جوان ۲۵ ساله که دوبار ازدواج کرده و همسر اول خود را مسبب اعتیاد خود می داند. حاصل زندگی پنج ساله او با همسر اولش پسری است که بعد از جدایی هیچ خبری از او ندارد.

"زمانی که پسرم به دنیا آمد برای تسکین درد زایمان به توصیه همسرش برای اولین بار تریاک مصرف کردم و روز به روز تمایلم به مصرف مواد بیشتر می شد." دلنیا فرزند پنجم خانواده بود و پدر و مادرش به دلیل اختلافات فراوانی که میان آنها وجود داشت از هم جدا شده بودن و در همان دوران کودکی از آغوش پرمهر مادر بی بهره مانده بود. مادری که اگر بود شاید سرنوشت دلنیا اینچنین رقم نمی خورد و مانند زنان دیگر در کنار خانواده خود زندگی می کرد.

طبق تحقیقات صورت گرفته جامعه ما سالانه با حدود یکصد هزار فرزند طلاق مواجه می شود که بیشترین آسیب از طلاق والدین دامن گیر فرزندان می شود و علاوه بر تاثیرات منفی بر تحصیلات، رفتار روانشناختی، روابط اجتماعی و اعتماد بنفس آنان دارد آنها را در معرض آسیب های اجتماعی همچون اعتیاد و بزهکاری قرار می دهد. به گفته دلنیا، هفده سالگی ازدواج کرده و زمانی که از همسر اولش جدا شد سنش ۲۱ سال بوده است. او بعد از جدایی به خانه پدری خودش پناه می برد خانه ای که اعضای آن اعتیادش را نپذیرفته بودند و همین مسئله موجب فراری شدن او از خانه شد و زمانی که برادرش او را پیدا و به خانه آورده بود، تصمیم به فرستادنش به عراق برای زندگی کردن با مادرش را می گیرند و او را روانه عراق می کنند که بعداز گذشت مدتی دوباره به سنندج برمی گردد و با مردی که فروشنده مواد بوده و مواد او را تامین می کرد، ازدواج می کند. اینبار زندگی روی خوش به دلنیا نشان می دهد و برخلاف زندگی قبلی زندگی خوبی را شروع می کند و رضایت بسیار زیادی از آن دارد. "همسرم فوق لیسانس ادبیات است و در هنر خطاطی نیز دستی بر آتش دارد اما شغل او فروش مواد مخدر است و چندین بار توسط پلیس دستگیر شده است. بار اولی که در زندگی مشترک همسرم را دستگیر کردن باردار بودم که بعد از به دنیا آمدن پسرم او از زندان آزاد شد، حبس باعث شد که همسرم مواد را ترک کند اما من همچنان مواد مصرف داشتم."

عمر آزادی همسر دلنیا کوتاه بود و دوباره به جرم فروش مواد مخدر دستگیر و به پنج سال حبس محکوم می شود و باز دیگر طوفان اعتیاد زندگی او و همسرش را ویران می کند، آنچه روزگار دلنیا را تلختر کرده بود بیرون راندن او از خانه و جدا کردنش از نوزاد چند ماه اش توسط خانواده همسرش بود. وقتی از نوزاد ۹ ماه اش می گفت، بغض گلویش را گرفت و چند قطره اشک مهمان گونه هایش شد. سرش را پایین انداخت و با صدایی لغزنده و آرام گفت پنج ماه است که او را ندیده ام و آرزو دارم که ای کاش اعتیادم را ترک کنم و دوباره بچه ام را در آغوش بگیرم. دلنیا هم می توانست امثال زنان هم سن و سال خود در کنار خانواده زندگی سالم و پر نشاطی را داشته باشد اما با گرفتار شدن در دام اعتیاد حالا کارش به کارتن خواب شدن کشیده شده و روز ها و شب هایش را در پارک ها و بوستان های شهر سپری می کند. به گفته خودش کارتن خواب های دیگر برای او هم مواد تهیه می کنند و تمام مدت در همان بوستان به سر می برد و تا بحال برای تامین مواد از او هیچ سوءاستفاده ای نشده است. دلیل عدم مراجعه به کمپ های ترک اعتیاد را از این زن جوان جویا شدم که تشبیه کردن آنها را به زندان و ناتوانی در پرداخت

به قلم ثریا صلواتی

هزینه کمپ را بهانه نرفتن کرد و این در حالی است که آرزوی ترک مواد و پاکی از آن را در سر داشت.

گریه امان صحبت کردن را از او گرفت و چهره معصوم و زیبایش خیس اشک شد، بعد از آن که کمی آرامتر شد از او خداحافظی کردم تا به سراغ یکی دیگر از زنان کارتن خوابی که در همان بوستان بود، بروم و با او هم گفتگویی داشته باشم. او زنی ۴۰ ساله بود که همراه با خواهرش کارتن خواب بودند در این بوستان زندگی می کردند، چون نمی خواست نامش فاش شود مصاحبه کرد. از هردوی آنها خدا حافظی کردم و تمام مسیر راه به دلنیا، شهلا و تمام کارتن خواب هایی که در آنجا بودند فکر می کردم که این روزهای سرد و چگونه می خواهند سپری کنند؟

چه اتفاقاتی در انتظار آنهاست؟ آیا روزی به باور ترک می رسند و به آغوش جامعه باز گردند؟ و سوال های بی جواب دیگری که به ذهنم خطور می کرد.

دلنیا، شهلا و بیشتر معتاد ها به مصرف همزمان چند مواد مخدر از جمله "شیشه و هروئین" یا به قول خودشان "دوا" روی آورده اند و این چند مصرفی بودن ترک اعتیاد را برای آنان به آرزویی دست نیافتنی تبدیل کرده است.

در پایان انجام تست گیری ها گفتگویی کوتاه با ویدا مرادپور یکی از فعالین مدنی شهر سنندج که در مراکز بهداشتی سنندج به عنوان "ماما" مشغول خدمت می باشد و همیشه همراه و همگام با گروه پایان کارتن خوابی بوده و امروز انجام تست ها بر عهده ی ایشان بود، در رابطه با اقدامات انجام شده از سوی موسسه پایان کارتن خوابی داشتیم.

مرادپور با اشاره به اینکه موسسه پایان کارتن خوابی از سال ۹۴ فعالیت خود را با هدف کاهش کارتن خوابی آغاز کرده است گفت: این نهاد کاملا مردمی است و به واسطه کمک خیرین به کارتن خواب های سطح شهر سنندج که مکان های آنها از قبل شناسایی شده، خدماتی ارائه می شود.

وی افزود: تهیه و توزیع غذای گرم در چهارشنبه هر هفته، تهیه یک های بهداشتی، کنترل و معاینات پزشکی برای زنان کارتن خواب، شناسایی و معرفی کارتن خواب های بیمار به مراکز بهداشتی، تقبل هزینه کمپ های ترک اعتیاد برای افرادی که تصمیم به ترک مواد دارند، انجام تست ایدز و هپاتیت، توزیع لباس گرم، تهیه ۱۰۰عدد پانچو ضد آب، برگزاری کلاسهای آموزشی از جمله اقدامات انجام شده از سوی این موسسه مردم نهاد می باشد. افرادی زیادی به صورت داوطلبانه در چهارشنبه های مهربانی برای طبخ و توزیع غذا حضور به هم می رسانند و مهربانی شان را نثار افرادی می کنند که کف خیابان ها و پارک های شهر شب را به روز و روز را به شب می رسانند.

معادله ارز ۴۲۰۰ تومانی پیچیده شد!

دولت ارزی حاصل از فروش نفت ندارد و مجبور است برای تأمین کالاهای اساسی، از وجوه بانک مرکزی استفراض کند که منجر به افزایش پایه پولی می‌شود

آرمان زارعی - یادداشت

دولت سید ابراهیم رئیسی در ۱۲ آبان ماه لایحه دو فوریتی در مورد افزایش سقف ارز ترجیحی از ۸ میلیارد دلار به ۱۲.۶ میلیارد دلار و آزاد کردن ارز با کمک ارائه کارت‌های خرید با اعتبار مستقیم به مردم جهت جبران هزینه‌ها به مجلس ارسال کرد اما مجلس شورای اسلامی با لایحه دو فوریت حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی مخالفت کرد، وقتی قید دو فوریت از یک لایحه حذف می‌شود، این لایحه به عنوان یک لایحه عادی در مجلس منتظر نوبت خواهد شد و تا موقعی که لایحه قانون نشده است دولت موظف است که ارز ۴۲۰۰ تومانی را تخصیص بدهد. در این میان حدود یک میلیارد دلار از سوی بانک مرکزی و یک میلیارد دلار از سوی شورای هماهنگی سران سه قوه برای واردات اقلام ضروری تخصیص داده شده‌است و دولت تا سقف حدودی ۱۲.۴ میلیارد دلار می‌تواند ارز ۴۲۰۰ تخصیص دهد.

دولت در بودجه سال ۱۴۰۰ مجوز گرفت که ۸ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی را برای واردات کالاهای اساسی، دارو و نهاده های دامی تخصیص دهد و علاوه بر این مقدار حدود یک میلیارد دلار از سوی شورای هماهنگی سران سه قوه برای واردات کالاهای اساسی نیز تخصیصی داده شده است. همچنین مدیر روابط عمومی بانک مرکزی اعلام کرده است که حدود یک میلیارد دلار دیگر نیز به این ارز ترجیحی از سوی بانک مرکزی اضافه شده است.

از این مقدار ارز ترجیحی فقط در شش ماهه اول سال هشت میلیارد دلار آن به صورت کامل تخصیص داده و هزینه شده است. در سال ۹۹ هم ۱۰.۵ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی هزینه شد که ۵ میلیارد دلار آن از محل ارز حاصل از فروش نفت بود و ۵ میلیارد دلار مابقی نیز از محل وجوه بانک مرکزی یا صندوق توسعه ملی بوده است که اگر مابه‌التفاوت ۴,۲۰۰ تومان تا ۲۲ هزار تومان را بگیریم، مبلغی بالغ بر ۱۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه‌ای است که از بانک مرکزی استفراض شده که همین مسئله منجر به افزایش پایه پولی و نقدینگی شده است.

اثرات این موضوع را می‌توان در اضافه شدن هزار هزار میلیارد تومان نقدینگی در سال ۹۹ دید که ۷۵۰ هزار میلیارد تومان آن از محل ارز ترجیحی بوده است.

دولت ارزی حاصل از فروش نفت ندارد و مجبور است برای تأمین کالاهای اساسی، از وجوه بانک مرکزی استفراض کند که منجر به افزایش پایه پولی می‌شود.

در روزهای اخیر دولت یک لایحه دو فوریتی به نام تامین مطمئن کالاهای اساسی، نهاده‌های دامی، دارو و تجهیزات پزشکی و سیاست‌های جبرانی برای حمایت از معیشت اقشار آسیب‌پذیر به مجلس ارائه داد که سقف ارز تخصیصی برای واردات کالا های اساسی حدود دوازده میلیارد و ششصد میلیون دلار شود.

همچنین بر اساس ماده ۲ این لایحه به دولت اجازه داده می‌شود در صورت تغییر نرخ ارز نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی، از محل درآمدهای حاصل از تغییر نرخ کالاهایی که با ارز ترجیحی تأمین می‌شود، تا مبلغ ۲۷۰ هزار میلیارد ریال به حساب خاص سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید و به جای تخصیص ارز در ابتدای زنجیره آن را در انتهای زنجیره و مستقیما به صورت ریالی به مردم اختصاص دهد.

بر اساس تبصره این ماده، به دولت اجازه داده می‌شود در صورتی که منابع حاصل از این ماده برای پرداخت یارانه کفایت ننماید، مابه‌التفاوت را تا سقف ۲۷۰ هزار میلیارد ریال از محل جابه‌جایی ردیف‌های جدول تبصره (۱۴) ماده‌واحده قانون بودجه سال ۱۴۰۰ کل کشور تأمین و پرداخت نماید. اما دو فوریت این لایحه در مجلس رد شد و به عنوان یک لایحه عادی در نوبت قرار خواهد گرفت تا دو مرتبه در صحن علنی مجلس به رای گذاشته شود.

باتوجه با این که در شش ماهه نخست امسال حدود هشت میلیارد دلار را تخصیص و هزینه کرده است و حدود دو میلیارد دلار دیگر از بانک مرکزی و شورای هماهنگی سه قوه در اختیار دارد که مجموعا می‌شود حدود ده میلیارد دلار که حدود ۲.۶ میلیارد دلار از سقف پیشنهادی که به مجلس ارائه داده است فاصله دارد و اگر به صورت شش ماهه نخست اول سال عمل کند عملا مقدار ارز تخصیصی بالاتر از سقف تعیین شده خواهد بود و اصلا دلاری برای فروش با نرخ بازار آزاد باقی نمی ماند که به یارانه مردم تعلق بگیرد. خوب سوال اینجاست که در صورت عدم توانایی تامین ۲۷۰ هزار میلیارد ریال برای یارانه کالایی دولت این مقدار را از کجا تامین می‌کند؟ یا باید از طریق فروش ارزی که از حذف ارز ترجیحی است بدست آید و یا اینکه دولت بخواهد نرخ ارز را به نرخ بازار نزدیک کند.

شاهو باقری - یادداشت

نقش اساسی آموزش های مهارت محور در رشد اقتصادی و اجتماعی

سرمایه گذاری در آموزش‌های مهارت محور از اهمیت ویژه ای برخوردار است و باید هزینه های صرف شده در امر آموزش‌های فنی‌وحرفه ای را نوعی سرمایه گذاری به حساب آورد.

کل بودجه آموزش کشور سالانه ۱۰۰ هزار میلیارد تومان و بودجه آموزش مهارت ۸۵۰۰ میلیارد تومان یعنی ۸.۵ درصد است، البته ۵ درصد از بودجه آموزش کشور به آموزش مهارت اختصاص دارد، اما بودجه آموزش فنی و حرفه‌ای کمتر از ۱ درصد بودجه آموزش کشور است. درصد هزینه های آموزشی کشورهای توسعه یافته رقمی معادل ۱۰ تا ۲۰ درصد کل بودجه هر کشور را تشکیل می دهد و این هزینه ها شامل هزینه های اداری، حقوق کارکنان، کتب درسی و مواد کمک درسی، تجهیزات و نگهداری ساختمان های آموزشی و سایر بودجه های جاری است. آموزش‌های مهارت محور نقش اساسی در رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد و به عنوان یکی از اهداف مهم تمام کشورها شناخته شده است. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه ای مستقیما به توسعه علوم و صنایع و تولید و بالطبع باعث توسعه اقتصادی می شود و به صورت، رابطه آموزش فنی و حرفه‌ای با توسعه اقتصادی و اجتماعی یک رابطه پیچیده است. آموزش‌های مهارت محور باعث تغییر ارزش‌های اجتماعی و اشتغال افراد می شود و این خود تاثیر مستقیمی به وضعیت اقتصادی دارد.

اقتصاد آموزش بر پایه تخصص‌های مهارتی و بازار محور می‌تواند شاخه ای از علم اقتصاد باشد که کاربرد علم اقتصاد در آموزش فنی و حرفه ای و آثار بیرونی، درونی و بین مهارت آموزان با صنایع و صنوف را مورد توجه قرار داد و موضوعاتی چون، تامین منابع مالی، مدیریت منابع، تاثیر بر رشد و توسعه اقتصادی، تاثیر بر توزیع عادلانه درآمد، تاثیر در افزایش تولید و درآمد خانواده، تخصیص منابع مالی بین دولت و بخش های غیر دولتی، تحلیل هزینه ها و اثر بخشی در این گزارش اسم مستعار "شهلا" را برایش انتخاب کردم. شهلا هم شوهرش را مسبب اعتیاد خود می داند و می گوید: پانزده ساله بودم که با همسرم آشنا شدم و از همان دوران نامزدی متوجه اعتیاد او به تریاک شدم اما چون عاشقش بودم با او ازدواج کردم اوایل زندگی مشترکمان به همسرم اعتراض داشتم و خواستار ترک اعتیادش بودم اما شرایط روز به روز بدتر و بدتر می شد و کار به جایی رسید بیشتر اوقات را خارج از خانه سپری می کرد من هم برای کنترل اوضاع از او خواستم که به خانه برگردد که برگشتنش برایم گران تمام شد و اعتیاد دامن گیر خودم هم شد. حاصل زندگی مشترک شهلا و همسرش دو دختر بود که به گفته خودش خاطر آنها به پای زندگی با همسرم نشستم. هر کدام از دخترها ازدواج کرده بودند و گویا از کارتن خواب بودن مادرشان بیخبر هستند. شهلا به تازگی کارتن خواب شده بود اما خواهر او که شیرین نام داشت ۱۵ سال زندگی کارتن خوابی را تجربه کرده بود و علاوه بر خودش پسر کوچک او هم کارتن خواب بود و در همان بوستان هر سه نفر در کنار هم زندگی می کردند و پسر بزرگتر شیرین هم به جرم مواد در زندان بود.

درد اعتیاد و رنج حبس مهمان خانواده آنها بود و به وضعیت تاسف باری رسیده بودند. "ماچهار خواهر و دو برادر هستیم، پدرمان در سال ۶۲ به شهادت رسید مادرمان هم چند سال پیش به رحمت خدا رفت. خواهر بزرگترمان که وضعیت مالی مناسبی دارد برای من و شیرین خانه ای اجاره کرده بود؛ مدتی در آنجا زندگی کردیم اما چون شیرین افراد معتاد زیادی را برای مصرف به خانه راه می داد خواهرمان خانه را پس گرفت. به سختی توانستم چادری برای سرپناه تهیه کنم که مدتی پیش در همین بوستان عده‌ای آن را به آتش کشیدند". به گفته او، خانواده همسرش جزء خانواده های مرفه جامعه هستند که بعد از دستگیری همسرش به جرم دزدی که به تحمل ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، هیچ کمکی به شهلا نکرده اند و از او سراغی نمی گیرند. در کنار صحبت با شهلا چند بار سعی کردم که با خواهرش هم گفتگویی داشته باشم اما کسالی و بی حوصلگیش را بهانه رد صحبت کرد.

کار می تواند مفری برای پیشرفت و اعتماد سازی جهانی جهت حضور بسیاری از شرکت‌ها و تولیدکنندگان در اقصا نقاط دنیا باشد.

در واقع یکی از مسائل مهم در رشد اقتصادی دارا بودن نیروی کار ماهر و توانمند است که به واسطه اهمیت آموزش های مهارتی مسیر می شود لازم است هیئت دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تخصیص بودجه به این بخش بسیار تاثیرگذار یعنی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای داشته باشند حتی شایان ذکر است مقام معظم رهبری همیشه به توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را توصیه نموده اند؛ چرخه اقتصاد که در تصویر زیر مشخص است، نشان دهنده اهمیت مهارت و نیروی کار است، که چگونه در چرخه اقتصاد، رونق تولید می تواند تاثیر گذار باشد.

بازهم کردستان، کرمانشاه، لرستان و ایلام رکورد شاخص فلاکت را زدند

آمار ها نشان می دهد دست‌کم ۸ استان ایران از حیث شاخص فلاکت، یعنی مجموع نرخ بیکاری و نرخ تورم، در محدوده بالای ۶۰درصد جای گرفته‌اند. این شاخص یک نمایه اقتصادی است که از مجموع نرخ بیکاری و نرخ تورم محاسبه می‌شود. به باور اقتصاددانان نرخ فزاینده تورم با نرخ بیکاری بالا باعث افزایش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شود.

در این میان اما بر اساس آمار های منتشر شده همشهری دو استان کرمانشاه و کردستان به عنوان بالاترین شاخص فلاکت در کشور خودنمایی می کنند.

کرمانشاه با شاخص ۶۴ و کردستان با شاخص ۶۱ ایلام با شاخص ۶۰.۴۰ و لرستان با شاخص فلاکت ۶۱.۱ از جمله ۸ استان با شاخص فلاکت بالا در کشور قرار دارند.

اقتصاد کلان
MACRO ECONOMIC
WWW.EGHTESAD-KALAN.COM
دفتر تهران: خیابان شهید نامجو کوچه کدخدازاده، بن بست اول شمالی پلاک۲ طبقه۴
کدپستی: ۱۶۱۵۹۱۵۷۱۵ تلفکس: ۲۸۴۲۹۵۵۲ - ۰۲۱
دفتر سنندج: بهاران، شهرک زاگرس، بلوار استاد جعدی، خیابان پیر شالیار، نبش کوچه شمیم۳۴
کدپستی: ۶۶۱۷۷۷۹۳۸۶ تلفکس: ۳۲۷۸۵۳۱۳ - ۰۸۷
eghtesad_kalan t.me/eghtesade_kallan
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: کاوه زارعی
مدیر اجرایی: محمد طارق زارعی
گرافیست: مهسا شیدایی
مسوول واحد خبری: ثریا صلواتی
خبرنگار: زوزان نقشبندی
انفورماتیک: هدیه صلواتی

اقتصاد کلان
MACRO ECONOMIC
قیمت ۳۰ هزار ریال
آذر ماه ۱۴۰۰ / تیراژ ۱۰۰۰ نسخه / سال انتشار دوم / شماره دهم
اجتماعی – اقتصادی/ WWW.EGHTESAD-KALAN.COM

توزیع ناعادلانه خدمات شهری در شهر سنندج کاملا مشهود است

سید انور، رشیدی شهردار سنندج با تاکید بر اینکه توزیع ناعادلانه خدمات اجتماعی در شهر سنندج کاملا مشهود است؛ گفت: محله محور کردن برنامه‌ها درمناطق کم برخوردار سنندج از اولویت‌های دیگر ما می باشد.

کاهش زمان بررسی پرونده ها در شعب دادگستری کردستان

رئیس کل دادگستری کردستان از بررسی ۱۷ میلیون پرونده قضایی سالانه در کشور خبر داد و گفت: با الکترونیکی شدن، زمان بررسی پرونده‌ها در شعب استان به کمتر از یک ماه کاهش یافته است.

میراث آشفته تدبیر و امیدپیش روی وکیل الدوله کردستان

متناسب با شرایط کردستان و سطح محرومیت های این استان در حوزه های مختلف، با توجه به شعار های دولت مردمی؛ انتظار می رفت که کردستان در اولویت دولت سیزدهم قرار بگیرد و این اولیت در دو موضوع سفرهای استانی و انتخاب استاندار، نمود یابد. انتظاری که در ۱۰۰ روز اول از عمر دولت آیت الله رییسی محقق نگردید؛ و کردستانی ها به واسطه این تاخیر در توجه دولت «در این مدت، محکوم به تحمل فضای آشفته ی اخبار ضد و نقیض در موضوع معرفی بیش از ۵۰ گزینه استانداری این استان بودند». بالاخره استاندار کردستان مشخص شد. در آمدن نام یک جوان بومی به عنوان استاندار کردستان از صندوق هیات دولت را می توان به نوعی ختم غائله ای چند ماهه در فضای سیاسی استان و پایان روز های آشفته ای دانست که دود آن همچون همیشه به چشم مردم کردستان رفت و تاخیر دولت در کمترین حالت، معطل ماندن سه ماهه این استان به واسطه ادامه حضور برخی مدیران بی انگیزه را به دنبال داشت.

بالاخره در میان چنین فضای آشفته ای، اسماعیل زارعی کوشا جوان کردستانی با سابقه فرمانداری شهر قم و چندین مسوولیت در سطوح ملی و استانی در بیست و ششم آبان ماه توسط وزیر کشور معارفه شد. اکنون به استان برای مقابله با چالش های اصلی کردستان موثر باشد. اگرچه تاکنون زارعی کوشا حتی به قیمت نگران کردن بخشی از حامیان رییس جمهور در استان، بر استقلال خود و توجه با شایستگی در انتخاب ها تاکید داشته اما باید دید این استقلال که به نظر برخی چهره های اصولگرا رنگ بی اعتنایی به خود گرفته تا چه اندازه می تواند تداوم یافته و کارا باشد.

فارغ از چنین فضایی در سطح سیاسون، آنچه مردم کردستان از وکیل الدوله دولت سیزدهم انتظار دارند، اقدام بر اساس شعار های انتخاباتی آیت الله رییسی و تکیه بر ظرفیت های بومی در مسیر توسعه استان است.

نظر می رسد استاندار جوان کردستان علاوه چالش های تاریخی در حوزه توسعه استان و مشکلات نقدی همچون آب شرب، تورم و بیکاری بالا در استان، از منظر سیاسی نیز با چالش هایی مواجه باشد.اصلاح طلبان استان که به صورت طبیعی برای مدتی در حوزه های مختلف سکاندار مدیریت خواهند بود -همچون نیروهایی که در صورت نا امیدی از امکان تداوم همکاری به منتقدین استاندار بدل می شوند- از یک سو و انتظارات خیل عظیم اصولگرایانی که هشت سال در حاشیه منتظر چنین روزی برای بازگشت به عرصه بوده اند، از طرف دیگر، می تواند بر توان تیم جدید مدیریت استان تاثیر گذار باشد.

۲

اتمام آب شرب شهرستان بانه در کمتر از۲۰ روز دیگر

بهزاد رحیمی نماینده مردم شهرهای سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی

وی در خصوص مشکل آب شهرستان بانه با بیان اینکه میزان مصرفی آب شرب در شهر بانه در شرایط عادی یک میلیون و ۲۰۰ هزار متر مکعب می باشد اظهار داشت: به دلیل کمبود آب به منظور کاهش مصرف جیره بندی آب در دستور کار قرار گرفته است و در حال حاضر مردم با قطعی آب بیشتر از ۲۲ ساعت در طول شبانه روز مواجه هستند...

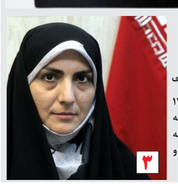
۳

ساماندهی مرز باشماق از مطالبات اصلی مردم کردستان می باشد

شیوا قاسمی پور نماینده مردم مریوان و سوآباد در مجلس شورای اسلامی

وی با اشاره به اینکه طرح جامع ساماندهی مرز باشماق در دسال ۱۳۹۷ تصویب شد و در سال ۱۳۹۹ گلنگ آن در زمینی به مساحت ۲۵ هکتار به زمین زده شد افزود: مدت زمان اجرایی این پروژه ۲۶ ماهه اعلام شد اما تا به امروز با گذشت ۸ماه از زمان کلنگ زنی آن هیچگونه پیشرفتی نداشته و پروژه تعطیل است...

معادله ارز ۴۲۰۰ تومانی پیچیده شد!

آرمان زارعی

۸

حفاظت از بافت تاریخی شهر سنندج با اجرای پروژه‌های بازآفرینی

عرفان مرادی
مدیرکل راه و شهرسازی کردستان

۵

نیشتمان مروری بر یک راه حل ناکارآمد

شاهو کشاورزی
پژوهشگر و منتقد در حوزه شهری

۴

اقتصاد کشاورزی و اقتصاد استان کردستان

حامد قادرزاده
دکترای تخصصی اقتصاد کشاورزی

۳

هنر بازی کودکانه نیست

گفتگو با
هادی ضیا الدینی
هنرمند برجسته مجسمه ساز

۶

سخن مدیرمسوول

انتظار توسعه در فضای قیومیت

از سال های دور تر ایجاد فضای محرومیت به همراه حس تبعیض در استان کردستان به واسطه بد مدیریتی ها، کج سلیقه گی ها و برخی نگاه های دوگانه در مرکز، مشارکت این استان در سپهر سیاسی کشور را به حداقل ممکن رسیده است. نمود بارز این نوع حس تبعیض را می توان به صورت مشخص در عدم ظرفیت سازی جهت بکار گیری نیرو های بومی استان در مناسب کلیدی دانست. وعده دولت های مختلف و عدم تحقق آنها در به کار گیری نخبگان و تحصیلکرده های کردستانی در مناصب مدیریتی استان، موجب فضای بی اعتمادی در میان سیاسیون و نخبگان این استان گردیده است. در این راستا طنین صدای دولت مردمی در انتخابات ۱۴۰۰ با شعار تمرکز زدایی، رفع محرومیت و استفاده از ظرفیت های بومی مناطق، جلب توجه نمود و بخشی از جامعه نخبگان کردستان، با اعتمادی محتاطانه ترغیب به مشارکت در فضای سیاسی انتخابات ۱۴۰۰ شدند.

حضور چهره های جدید در میان فعالین سیاسی استان یکی از نمود های عینی این اعتماد است. اعتمادی که به نظر می رسد این روز ها باید برای دولت سیزدهم، ارزشی بیش از معادن و ظرفیت های خدادادی کردستان داشته باشد و در این خصوص دولت می بایست برای حراست و گسترش دامنه این اعتماد اقدام نماید. که اگر چنین نشود، توسعه سیاسی کردستان "همچون پیش نیازی برای توسعه در سایر بخش ها " ممکن نخواهد شد و متاثر از چنین فضایی، کردستان در فقدان حضور نخبگان بومی در عرصه سیاسی همچون عرصه جنگ های نیابتی جریان های سیاسی و رقابت لابی های اقتصادی، تحت قیومیت پدرخوانده های مرکز نشین خواهد ماند، قیم هایی که وضعیت کنونی استان از ضعف اساسی زیرساخت ها تا وضعیت آب شرب و بیکاری و تورم در "استان فرصت های کمنظیر" ماحصل برنامه های ایشان در گذشته بوده است.

کردستان همچون سرمایه نادیده کشور، که از ظرفیت های خدادای خاصی برخوردار است سالهاست همچون گنجینه ای در تاریک خانه بد مدیریتی ها، سستی و فساد اداری و نگاه های دوگانه دولت ها به این استان مانده است.

این استان با وجود پتانسیل های بی بدیلی در حوزه تجارت، توریسم، کشاورزی و فرهنگ، همچنان پسوند "محروم" را یدک می کشد.

استانی که دارای ۲۰۰ کیلومتر مرز مشترک با اقلیم کردستان عراق -به عنوان شریک مرز تجاری جمهوری اسلامی- است و به واسطه قرابت فرهنگی و زبانی، می تواند همچون پایانه ای مؤثر در حوزه های مختلف برای کشور عمل کند، در این ایام دست به گریبان کولبری است، استانی که سرچشمه بخش قابل توجهی از آب های کشور است با میانگین اراضی کشور فاصله قابل توجهی دارد و از آب شرب مطلوب محروم است.

در چنین شرایطی کردستان که انتظار می رفت بر اساس شعار های دوران انتخابات در اولویت دولت سیزدهم باشد، تاکنون علی رغم گذشت چندین ماه از آغاز به کار دولت، کمترین توجه را از مرکز دریافت ننموده.

علی رغم دعوت های انجام شده و همچنین اعلام برخی مسوولین، این استان در لیست سفر های استانی رییس جمهور از قلم افتاد و تعیین استاندار آن نیز در اولویت دولت قرار نگرفت.

در چنین فضایی اقدام قاطع و عاجل و شنیدن صدای مردم کردستان بدون واسطه توسط دولت سیزدهم کمترین انتظار ممکن از دولتی است که استفاده از ظرفیت های منطقه ای، محرومیت زدایی و تمرکز زدایی را دستور کار خود دارد.

مردم کردستان نه تنها در این انتصاب بلکه در هر فرصتی، انتخاب فردی مردمی، خوش سابقه، با تجربه، توانمند با سابقه شناخت و حضور موثر در استان را فریاد زده اند، فردی که بتواند با اقتدار در چنین شرایط اسفناکی به واسطه شناخت کافی و اجماع میان نیرو های بومی با استفاده از مزیت های منطقه ای و بین المللی کردستان، در صدد التیام زخم های عدیده استان همچون، تورم افسار گسیخته، آمار بالای فساد اداری و بیکاری، معضل کولبری، اصلاح سهم ناعادلانه کردستان در رژیم آبی منطقه، توسعه کشاورزی و صنعت به گل نشسته و ده ها درد مزمن دیگر این استان، بر آید.

محک آبهای کردستان پیش روی دولت سیزدهم

به بهانه کنسل شدن چند باره سفر وزیر نیرو به کردستان

دو بار؛ کنسل شدن سفر وزیر نیرو به استانی که مردم مرکز آن دبه به دست برای آب شرب آواره جشمه های اطراف شهر هستند، می تواند پیامی روشن و مایوس کننده مبنی بر میزان عزم وزارت نیرو در رفع مشکلات حوزه آب استان باشد.

و آنچه امروز می تواند مورد پرسش باشد؛ نحوه برخورد نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی با چنین نگاهی از سوی وزیر محترم نیرو است؛ وزیری که منتخب دولت مردمی با شعار محوری محرومیت زدایی و توسعه متوازن است می بایست برای این بی اعتنایی مورد پرسش جدی نمایندگان قرار بگیرد. بدون شک متناسب با وضعیت نامناسب کردستان در حوزه آب ها در نتیجه سیاست های دوگانه وزارت نیرو در گذشته؛ میزان توجه دولت سیزدهم به کردستان در این حوزه همچون مطالبه ای عمومی؛ می تواند محک قابل قبولی در سنجش تحقق شعار های دولت مردمی باشد. وضعیت نامناسب آب شرب در شهر های سنندج؛ سقز و بانه؛ نسبت غیر منطقی اراضی دیم به اراضی کشاورزی و فاصله بسیار زیاد این نسبت تا میانگین کشوری؛ در استانی که از مهمترین منابع آبی غرب کشور به شمار می آید حکایت از بی توجهی به ظرفیت های این استان دارد؛ بی توجهی که به نظر می رسد صرفا با تغییر در نگاه مدیریتی به رژیم آبی استان ها و تزریق بودجه های جهشی قابل جبران است.

کردستان در انتظار قاطعیت آبی

سقوط ۱۸ پله ای کردستان در میان استان های کشور

فرید کریمی
خبرنگار
۳

کیفیت نامطلوب آب، مردم سنندج را مهمان چشمه‌ها کرده

کفگیر آب شرب شهرستان بانه به ته دیگ خورد

نماینده مردم سقز و بانه گفت: شهرستان ۱۶۰ هزار نفری بانه فقط برای ۲۰ روز حدود ۸۰۰ هزار مترمکعب آب دارد یعنی با جیره بندی هم ۲۰ روز دوام نمی‌آورد.

بهزاد رحیمی نماینده مردم سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی در خصوص مشکل آب شهرستان بانه در گفتگو با خبرنگار اقتصاد کلان با بیان اینکه میزان مصرفی آب شرب در شهر بانه در شرایط عادی یک میلیون و ۲۰۰ هزار متر مکعب می باشد اظهار داشت: به دلیل کمبود آب به منظور کاهش مصرف جیره بندی آب در دستور کار قرار گرفته است و در حال حاضر مردم با قطعی آب بیشتر از ۲۲ ساعت در طول شبانه روز مواجه هستند.

وی گفت: به دلیل جیره بندی اعمال شده آبی که در اختیار مردم قرار می گیرد کدر و غیر شفاف است و بعد از وصل مجدد، آب با تغییر طعم، رنگ و بو مواجه می شود.

رحیمی با بیان اینکه آب شرب شهرستان بانه از طریق سد بانه و سد عباس آباد تامین می شود افزود: سد بانه با ظرفیت چهار میلیون مترمکعب در حال حاضر خالی و چند روز پیش لایه روبی شد و از مدار خارج گشت.

وی دلیل خارج شدن سد بانه از مدار را به کاهش بارندگی در سال گذشته و عدم آبگیری کامل عنوان کرد و گفت: آب باقی مانده در سد به دلیل کاهش سطح آب و آلودگی موجود در عمق آن، قابل برداشت نیست.

نماینده سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی اذعان داشت: سد عباس آباد نیز با ظرفیت ۱۴ میلیون متر مکعب در حال حاضر فقط قابلیت برداشت ۸۰۰ هزارمتر مکعب آب را دارد که با این مقدار، شهرستان بانه تنها بیست روز دیگر آب شرب خواهد داشت.

وی دلیل کمبود آب سد عباس آباد را نیز کاهش بارندگی و نشتی موجود در سد عنوان کرد و افزود: این سد در دوره های گذشته به صورت ناقص تحویل داده شده و به دلیل نشتی موجود در سد مدیران آبفا نتوانستند سد را برابر با ظرفیت ۱۴ میلیون متر مکعبی آبگیری کنند.

رحیمی اظهار کرد: ما بحران کم آبی در بانه را سال گذشته پیشبینی کردیم و طی جلسات متعدد سعی در رفع این مشکل داشتیم که بی نتیجه ماند. برگشت آب به منظور جلوگیری از هدر رفت آن به دلیل نشتی موجود در سد عباس آباد، جیره بندی، ارتقاء تصفیه خانه شماره یک و انتقال آب هر دو سد به آن، در دستور کار قرار گرفت.

وی افزود: همزمان با انجام اقدامات ذکر شده می بایست نشتی سد عباس آباد رفع گردد تا به وسیله بارندگی های سال جاری، در سال ۱۴۰۱ سد با حداکثر ظرفیت آبگیری شود.

نماینده سقز و بانه با اشاره به اینکه احداث سد های جدید و انتقال خط لوله از سدهای همجوار همچون سد چراغ ویس، سد شهید کاظمی و سد سردشت به بانه، از مطالبات ما و مردم می باشد بیان کرد: حدود ۳۰درصد آبریزی سد سردشت از بانه تامین می شود اگر تنها ۱۰ درصد از حجم سد به بانه انتقال داده شود مشکل کمبود آب در این شهر رفع می گردد. **ما مجدانه پیگیر انتقال خط لوله از سد سردشت به بانه هستیم و یکی از خواسته ها و پیشنهاد های ما به وزیر نیرو همین مسئله بوده است و منتظر سفر ایشان به کردستان هستیم.**

رحیمی اعتبار لازم برای تکمیل خط انتقال بانه ۲۵ میلیارد تومان اعلام و اظهار کرد: در صورت تخصیص اعتبار اگر به صورت مداوم و جهادی کار شود در بازه زمانی شش ماه انتقال آب اتفاق خواهد افتاد چرا که فاصله سد سردشت تا تصفیه خانه شماره یک ۲۸ کیلومتر می باشد.

نماینده سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی گریزی نیز به وضعیت تامین آب شرب سقز زد و گفت: سقز با کمبود آب مواجه نیست اما آب شرب این شهر به دلیل کاهش حجم آب، تصفیه خانه شماره ۲ در مدار قرار نگرفته و آب به صورت کامل تصفیه نمی شود و در بو و طعم آن مشکل ایجاد شده است. تصفیه خانه شماره ۲ به دو مخزن پنج هزار مترمکعبی نیاز دارد که در صورت جذب اعتبار و تاسیس آن مشکل آب شرب سقز نیز رفع خواهد شد که برای این مسئله نیز اعتبار ویژه ای را درخواست و منتظر تخصیص آن از سوی دولت هستیم.

وی با اشاره به اینکه این امر می بایست در سال های گذشته اتفاق می افتاد گفت: برخی مسائل اجرایی مانع ارتقاء این تصفیه خانه شده است که امروز با پنج برابر بودجه آن زمان نمی توان آن را اجرایی کرد.

رحیمی همچنین اعتبار لازم برای تکمیل تصفیه خانه شماره۲ سقز را ۱۵۰ میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: با توجه به پیشرفت ۸۰ درصدی تصفیه خانه سقز در صورت تخصیص اعتبار در مدت زمان کوتاهی به بهره‌برداری خواهد رسید.

وی در پایان از مردم خواست که با صرفه جویی در مصرف آب همانطور که تابحال همکاری داشته اند ما را در رفع این مشکل یاری دهند و همچین از مدیران مرتبط استان خصوصا استاندار کردستان خواست که با پیگیری منابع مالی به این پروژه ها تسریع ببخشند تا از این بحران عبور کنند.

لازم به ذکر است که بهزاد رحیمی در نشست علنی مجلس در پی لغو دومین‌بار سفر وزیر نیرو به استان کردستان در تذکری خطاب به وزیر نیرو اظهار داشت: آقای محرابیان لطفا از چالش بزرگ آب کردستان که ناشی از سوء مدیریت گذشتگان است فرار نکنید. شهرستان ۱۶۰هزار نفری بانه فقط برای ۲۰ روز حدود ۸۰۰ هزار متر مکعب آب ذخیره دارد.

وی همچنین در تذکری دیگر به وزیر نیرو گفت: آب شُرب شهرستان سقز به دلیل عدم رعایت

اتمام آب شرب شهرستان بانه در کمتر از۲۰ روز دیگر

تراز ۱۴۰۳ سد شهیدکاظمی و برداشت بی‌رویه استان آذربایجان‌غربی و عدم تکمیل تصفیه‌خانه سد چراغ‌ویس قابل شُرب نیست. شهرستان بانه ۴۳ هزار مشترک آب دارد که شامل ۳۳ هزار مشترک شهری و ۱۰ هزار مشترک روستای است و تعدادی دیگر از مردم آب مورد نیاز خود از چاه و منابع دیگر تامین می کنند.

کیفیت نامطلوب آب، مردم سنندج را مهمان چشمه ها کرده است

سازمان بهداشت جهانی: آب آشامیدنی سالم را به عنوان یکی رکن‌های اساسی سلامت اجتماعی می‌داند این در حالی است که در برخی از شهرهای ایران از جمله شهر سنندج از داشتن آن بی بهره مانده اند. طی چند سال اخیر کیفیت نامطلوب آب شرب سنندج موجب نارضایتی مردم این شهر شده و آنها را برای تامین آب آشامیدنی سالم روانه چشمه های اطراف کرده است. در همین راستا کمیین حمایت از آب شرب سنندج و همچنین کارزاری توسط تعدادی از سازمان های مردم نهاد، گروه های ورزشی و افرادی صاحب نام شهر سنندج به منظور اعتراض و پیگیری این وضعیت تشکیل شده است که جهت آگاهی از روند اجرای کار این گروه ها گفتگویی با کیوان فروتن روابط عمومی کمیین و آریا صدیقی نماینده کارزار، ترتیب دادیم که در ادامه می خوانید.

آب در کوزه و مردم سنندج همچنان تشنه لبان می گردند

جناب فروتن لطفا توضیحاتی راجع به کمپین حمایت از آب شرب سنندج و هدفتان از تشکیل آن چه بوده است؟ آب شرب سنندج از سال ۹۵ از نظر ظاهر، طعم و بو دچار مشکل شد که فعالین زیست محیطی، نهاد های مردمی، تشکل های زیست محیطی و گروه های کوهنوردی بارها و بارها نسبت به این موضوع اخطاریه مبنی بر اینکه سدقشلاق به سمت تغذیه گرایی می رود، صادر کردند. اما مسئولین در آن زمان منکر این قضیه بودند؛ پیگیری‌ها همچنان ادامه داشت تا جایی که دادستانی و سایر ارگان های دولتی نیز در جریان این مشاهده و اعتراض قرار گرفتند. سال ۱۳۹۹ گروه های ورزشی، فرهنگی و هنری که طی چند سال گذشته پیگیر مسئله آب شرب سنندج بودند برای جلوگیری از موازی کاری تصمیم به تشکیل کمپین گرفتند و کمپین شهریور ماه ۱۳۹۹ به صورت رسمی فعالیت خود را آغاز کرد.

انتقال آب سد آزاد به تصفیه خانه سنندج، ارتقای کمی و کیفی تصفیه خانه سنندج به ترتیب خواسته کمپین بود که در دستور کار قرار گرفت. بیانه ای مشترک نیز با امضای کل ثمن ها، سازمان های مردم نهاد، تشکل های زیست محیطی صادر گردید. تصفیه خانه آب سنندج سال ۱۳۶۴ برای جمعیت ۳۰۰ هزار نفری تعبیه شده بود که حالا دیگر جولانگوی جمعیت شهر نیست و باید ارتقا پیدا کند، تصفیه خانه شماره ۳ هم در دستور کار قرار گرفت. کمپین با پیگیری ها و نشست هایی که با سازمان های مربوطه خواسته خود را به وزارت نیرو انتقال داده شد. بهمن سال ۱۳۹۹ انتقال خط لوله آب سد آزاد توسط معاون رئیس جمهور کلنگ زنی شد و در دستور کار قرار گرفت وعده اتمام پروژه طی یک سال داده شد که محقق نگردید. اعضای کمپین تا به امروز بارها از روند اجرای کار بازدید داشته است و در خلال انجام این کارها متوجه شدیم که **آب شرب سنندج علاوه بر انتقال خط لوله آب و منبع تامین آن، با مشکلات دیگری از جمله مسئله بهره‌برداری در تصفیه خانه و شبکه توزیع، مواجه است و پیگیری این مشکلات نیز در دستور کار کمپین قرار گرفت.**

ممانعتی از سوی کمپین نسبت به آبگیری سد ژاوه صورت گرفت؟ طی مدت زمانی که پیگیر رفع مشکل آب شرب سنندج بودیم مسئله آبگیری سد ژاوه نیز به میان آمد که درصورت آبگیری فاجعه زیست محیطی اتفاق می افتاد که با حضور فعالین زیست محیطی، گروه های ورزشی، تیم تخصصی کمپین و افراد خاص جامعه از این فاجعه زیست محیطی جلوگیری کردیم و آبگیری سد به بعد از نصب کل سیستم و تجهیزات موکول شد. پس از پیگیری های مداوم کمپین دستگاه های اجرایی که منکر آلودگی آب سنندج بودند به صحت این قضیه اعتراف کردند و این یکی از مهمترین اقدامات کمپین بود. از دیگر اقدامات انجام شده ما می توان به رصد چشمه ها از طریق مرکز بهداشت علوم پزشکی، تدوین برنامه ای برای جلوگیری از تغذیه گرایی سد قشلاق اشاره کرد.

بارها آب و فاضلاب شهر از آلوده بودن برخی از چشمه های اطراف شهر خبر داده اند، شما این مسئله را تایید می کنید؟ قرار بر این بود که دبیرخانه ای مشترک میان آب و فاضلاب، علوم پزشکی و شبکه بهداشت ایجاد شود اما تابحال این امر صورت نگرفته است، ما علوم پزشکی و شبکه بهداشت را منبع رسمی می دانیم و طبق آخرین آمار آب دوتا از چشمه ها(کوچه گرمابه و پارک احمدی نژاد) غیرقابل شرب معرفی شده است که بعد از پیگیری ها و آزمایشات بعدی مشکل آب چشمه کوچه گرمابه رفع شده بود و تمام این موارد از طریق کمپین اطلاع رسانی شد.

اهداف کمپین در آینده برای ارتقای سطح کیفیت آب شرب چه خواهد بود؟ تجهیز کامل تصفیه خانه شماره ۳ پروژه ای زمان برخواهد بود و تا قلع سال ۱۴۲۵ به طور کامل جولاگوی آب شرب سنندج خواهد بود، بررسی شبکه توزیع و شبکه بهره‌برداری از دیگر برنامه های ما می باشد.

کمپین حمایت از آب شرب سنندج تا رسیدن به آب سالم در کنار مردم خواهد بود

کارزار آب سنندج به منظور اعتراض به وضعیت آب شرب سنندج راه اندازی شد

جناب صدیقی تعریفی از کارزار و هدف از تشکیل آن داشته باشید؟ هماننگونه که از اسم کارزار پیدا و مشخص می باشد کارزار یک جنگ است، جنگ با تبعیض ها و بی تفاوتی های اجتماعی و شهری که حدودا ۲ ماه از آغاز به کار آن می گذرد؛ **هدف ما از راه اندازی کارزار اعتراض به وضعیت آب شرب سنندج، ترویج فرهنگ مطالبه گری از طریق ایجاد بستری برای هم افزایی خواست های مدنی مان که همان مطالبه آب شرب سالم است می باشد.** هماننگونه که اطلاع دارید آب شرب شهر سنندج از سال ۹۴ با مشکل مواجه شده و ما هر روز شاهد وعده هایی بوده ایم که یا عملی نشده اند یا به کندی در مسیر اجرا قرار گرفته اند در کل باید بگویم هدف اصلی کارزار تسریع یافتن پروژه بهبود کیفیت آب سنندج از طریق ایجاد اهرم فشار بر مسئولین به واسطه امضا های مستند و آکادمیک اعتراضی به وضعیت آب شرب شهرمان است.

فکر می کردید کارزار با استقبال مردمی همراه شود و میزان حمایت مردم از کارزار اعتراض به کیفیت آب شرب سنندج چگونه بود؟ بله اطمینان کامل از حمایت های مردمی از این کارزار را داشتم زیرا می دیدم که در جامعه شهری سنندج به بحث غالب تبدیل شده و درهمه جا بحث کیفیت آب شرب سنندج، بحث داغ محافل بود برای همین به فکر این اقدام که می شود با استفاده از هم افزایی خواست های مدنی ما این اعتراض جسته گریخته و نامنظم را به یک مطالبه گری منظم و مسئولانه تبدیل نمود و از آن در جهت مجبور کردن مسئولان به پاسخگویی و بهبود شرایط کیفیت آب شرب سنندج نهایت استفاده را برد و شکر خدا با اینکه کوچکترین تبلیغاتی نداشتیم و فقط در حد مانور اینترنتی در ۶ روز ابتدایی ۱۲ هزار نفر به کارزار ما ملحق شدند و تا امروز بیش از ۱۵ هزار نفر عضو کارزار اعتراض به آب سنندج هستند که برای ما جای بسی افتخار است.

دلیل آلوده شدن آب سنندج را چه چیزی می دانید؟ در مورد پاسخ به این سوال دلایل بسیاری را می توان برشمرد از جمله عدم لایروبی سد وحدت در طول سال های زیاد، سرازیر شدن فاضلاب ده ها روستا به سد وحدت از جمله روستای سراب قامیش به این سد همچنین تصفیه آب وحدت سنندج هم طبق استاندارد های لازم صورت نگرفته و اساسا این تصفیه خانه جوابگوی این حجم از آب نمی باشد. همین موضوع باعث شده است که از ارزانترین و مضرترین آنتی اکسیدان ها همچون کلر با در قرار از حد استاندارد استفاده گردد که طی یک نامه رسمی توسط شبکه بهداشت در دی ماه ۹۹ که شبکه بهداشت سنندج به مسئولان مربوطه ارسال شده است اعلام گردید که استفاده بیش از حد از این آنتی اکسیدان‌ها فراتر از حد مجاز باعث مشکلات و بیماری هایی همچون مشکلات گوارشی و انواع سرطان ها می گردد و همین موضوع جای بسی نگرانی است. انتقال آب سد آزاد به تصفیه خانه سنندج هر چند در دست اقدام است اما این انتقال بحث کمی آب را حل کرده و از لحاظ کیفی تاثیر چندانی نخواهد داشت.

حمایت مسئولان مربوطه استان از کارزار تا به امروز چگونه بوده است ؟ پاسخ به این سوال کاملا مشخص است، حدود ۶سال است که وضع آب شرب در استان کردستان به همین صورت است و گهگاهی مسئولان برای اینکه جو عمومی بر علیه آبفا نشود، مصاحبه هایی انجام داده اند اما از نظر ما خروجی بسیاری از این جلسات و مصاحبه ها صفر است، چون اساسا برنامه ایی مدون و شجاعانه در این مورد در مدت ۶ سال ندیدیم.بسیاری از مسئولان با راه اندازی کارزار موافق نبودند و همراه نه تنها نبودند و حمایتی نکردند بلکه در جهاتی تخریب را مشاهده می کردیم اما هر قدر که جلوتر رفتیم و گروه به حمایت های مردمی از کارزار افزوده شد مسئولان و مدیران شهری ناچار به تغییر نگرش شدند و با ما بر سر میز مذاکره نشستند.

کارزار در مدت این یک ماه آیا کار روبه جلو و رشدی انجام داده است؟ سوال خوبی بود بله مگر می‌شود کارزاری که در ۱۵ روز ۱۵ هزار امضا کامله به صورت قانونی جمع آوری نموده است ساکن و منفعل بماند، عملکرد کارزار در اولین اقدام شروع به انجام بازدید های میدانی از سد وحدت کردند و با جمع آوری گزارش های میدانی جلسات ویژه ایی را با اعضای شورای شهر سنندج و همچنین نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزار کرده و خواستار ایجاد کارگروه ویژه، جهت پیگیری هر چه سریع تر امور گردیدند.

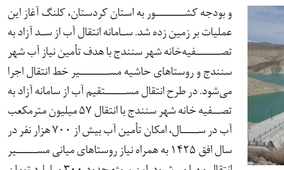

آب شرب سنندج به لحاظ پارمترهای کیفی و میکروبی کاملا سالم است

در ادامه خواستار گزارشی از روند اجرای اقدامات انجام شده اداره آب و فاضلاب شهر سنندج در راستای بهبود وضعیت موجود از اداره مذکور شدیم که به شرح زیر ما را در جریان آن قرار دادند.

هماننگونه که پیش از این و به صورت مداوم اطلاع رسانی شده بود، طی چند سال اخیر و در فصل پاییز به دلیل تغییرات دمایی از یک سو و پدیده تغذیه گرایی در سد قشلاق از سوی دیگر، در شهر سنندج شاهد تغییر طعم و بوی آب بوده ایم. این امر به دلیل بروز تغذیه گرایی و رشد جلبک در سد قشلاق ایجاد شده است. در سالجاری به دلیل کاهش بی سابقه بارندگی ها و پائین آمدن تراز آب در سد قشلاق که بر ایگیری از سد نیز اثرگذار بوده، طعم و بوی آب بیشتر و زودتر از سالیان قبل رخ داده است که امیدواریم با آغاز بارندگی ها و افزایش تراز آب سد بخشی از این مشکل کاهش یابد. **آب شرب شهر سنندج به لحاظ پارامترهای کیفی و میکروبی و شیمیایی کاملا سالم و قابل شرب است و هیچگونه نگرانی بابت سلامت آن وجود ندارد و آب شرب توزیعی در شبکه مطابق با استاندارد ملی ۱۰۵۳ می باشد**؛ ضمن آنکه علاوه بر شرکت آبفا، دانشگاه علوم پزشکی و مرکز بهداشت همواره آب شرب شهر سنندج را پایش می کنند. اما هماننگونه که عنوان شد از نظر گوارایی و طعم و بو مورد رضایت صد درصدی نیست.

در همین راستا و از سال گذشته از آنجا که شرکت آبفا کردستان خود را در قبال تحویل و توزیع آب باکیفیت مسئول می داند، اقداماتی برای افزایش گوارایی آب شرب شهر سنندج انجام داده است که شامل موارد زیر می باشد:

۱- پیگیری و اخذ دستور وزیر محترم سابق نیرو برای راهسازی ۲ مترمکعب در ثانیه (۲ هزار لیتر در ثانیه) آب خام از سد آزاد به سد قشلاق به منظور جلوگیری از کاهش تراز آب سد و بهبود کیفیت آب سد قشلاق

۲ - تهیه، نصب و راه اندازی واحد ازن زنی تصفیه خانه شماره ۱ شهر سنندج به ظرفیت ۹ کیلوگرم در ساعت با هزینه ای بالغ بر ۸۰ میلیارد ریال به منظور حذف حداکثری طعم و بو(البته تصفیه خانه آب شماره ۲ از قبل دارای واحد ازن زنی بوده است)

۳- شستشوی مخازن و شبکه توزیع آب شرب شهر سنندج برای بهره مندی شهروندان سنندجی از آب باکیفیت تر، انتقال آب از سد آزاد به تصفیه خانه آب شهر سنندج در دستور کار دولت قرار گرفته است که در دهه فجر سال ۹۹ و در سفر دکتر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور به استان کردستان، کلنگ آغاز این عملیات بر زمین زده شد. سامانه انتقال آب از سد آزاد به تصفیه‌خانه شهر سنندج با هدف تأمین نیاز آب شهر سنندج و روستاهای حاشیه مسیر خط انتقال اجرا می‌شود. در طرح انتقال مستقیم آب از سامانه آزاد به تصفیه خانه شهر سنندج با انتقال ۵۷ میلیون مترمکعب آب در سال، امکان تأمین آب بیش از ۷۰۰ هزار نفر در سال افق ۱۴۲۵ به همراه نیاز روستاهای میانی مسیر انتقال مهیا می‌شود. این پروژه حدود ۳۰۰ میلیارد تومان هزینه دارد و ۱۰۰ میلیارد تومان برای پروژه انتقال آب از سد آزاد به تصفیه خانه سنندج از محل اعتبارات مدیریت بحران کشور مصوب شده و ۱۰۰ میلیارد تومان دیگر نیز در لایحه امسال قرار داده شده است. متولی اجرای این پروژه شرکت منابع آب و نیروی ایران می باشد که وظیفه اجرای عملیات انتقال آب خام سد آزاد به تصفیه خانه آب سنندج را برعهده دارد و پس از انتقال، تصفیه و توزیع آب در شبکه برعهده شرکت آب و فاضلاب استان کردستان خواهد بود.

تبدیل وضعیت مهمترین خواسته نیروهای حجمی شهرداری سنندج است

تعداد ۲۸۷ نفر به صورت استخدام حجمی در شهرداری سنندج مشغول به کار می باشند که نسبت به عملکرد شهرداری و شرکت پیمانکاری متبوع معترض هستند.

هجدهم فروردین سال ۱۳۹۱ از طرف دولت استخدام حجمی به کانون های صنفی کارفرمایان ارائه شد که این مسئله در ارگانها، خصوصا شهرداری ها به یک چالش تبدیل شده است. معمولا افرادی که به نوع حجمی استخدام شده اند زیر نظر یک کارفرما یا یک پیمانکار مشغول کار هستند و پیمانکار واسطه پرداخت حق الزحمه آنان می شود که بیشتر اوقات حقوق آنها با چندین ماه تعویق پرداخت می شود و همین امر موجب نارضایتی نیروهای حجمی از عملکرد شرکت پیمانکاری و اداره متبوع می شود.

اعتراض به میزان حقوق و نحوه پرداخت آن، بیمه ناقص و مقطعی بودن استخدامی های حجمی، به شهرداری سنندج نیز رسید و نیروهای حجمی این ارگان نسبت به تبدیل وضعیت خود تجمع اعتراض آمیز داشته و خواستار احقاق حقوق خود هستند.

نماینده نیروهای حجمی در گفتگو با خبرنگار اقتصاد کلان با بیان اینکه **تعداد نیروهای حجمی در سنندج ۲۸۷ نفر** است، گفت: شرکت پیمانکاری که نیروهای حجمی به آنها واگذار شده است با آنها قراردادی هشت ماهه، بدون تعطیلی تنظیم کرده که با این احتساب چهار ماه از سال بیکار می شوند، این در حالی است که بخش های دیگری از شهرداری مانند بخش های عمرانی و امور شهری به شدت با کمبود نیرو مواجه است. او یکی دیگر از مشکلات نیروهای حجمی را تعویق در پرداخت حقوق پرسنل دانست و افزود: با توجه به شرایط موجود امرار معاش برای آنها بسیار دشوار است و به سختی از پس مخارج زندگی خصوصا در طول فصل زمستان بر می آیند. صلواتی در ادامه با بیان اینکه حقوق هایشان نامنظم پرداخت می شود افزود: سه ماه است که حقوق دریافت نکرده ایم، آیا خود مسئولان شهری می توانند یک ماه بدون حقوق دوام بیاورند؟ با چهار میلیون حقوق و بیمه های نصف و نیمه، عادلانه نیست که هشت ماه بدون تعطیلی کار می کنیم و چهار ماه یکبار حقوق دریافت کنیم و از طرف دیگر هم چهار ماه در سال بیکار باشیم، از مسئولان کشوری و استانی از جمله شهردار و شورای شهر تقاضا دارم جهت تغییر وضعیت نیروهای حجمی قدمی بردارند.

به منظور پیگیری نزد شهردار سنندج رفتیم؛ سید انور رشیدی در این رابطه اظهار کرد: نیروهای حجمی برای تامین فضای سبز و ارائه خدمات شهری با شرکت های ما قرارداد تنظیم می کنند و در حال حاضر سه ماه حقوق آنها به توبق افتاده است که در تلاش برای پرداخت حقوق به تعویق افتاده آن ها در کمترین زمان ممکن، می باشیم. شهردار سنندج وضعیت مالی شهرداری را به دلیل بدهی بحرانی توصیف کرد و افزود: در حال حاضر شهرداری حدود ۲۳۰ میلیارد تومان بدهکار است که این بدهی فشار زیادی بر تامین حقوق پرسنل ها گذاشته است، اما ما غافل نیستیم و امیدواریم بتوانیم با تلاش در تامین اعتبار و بودجه هرچه زودتر با نیروهای حجمی تسویه حساب کنیم.

سید انور رشیدی در پاسخ به سوال خبرنگار ما مبنی بر اینکه، تکلیف نیرو های حجمی که در طول فصل زمستان و نبود فضای سبز بیکار می شوند چیست؟ افزود: ما در برخی مناطق با کمبود پاکبان مواجه هستیم ولی مشکل ما تنها تامین بودجه و مسئله مالی می باشد و اگر مشکل مالی نداشتیم حتما از آن ها در این فصل سرما برای ارائه خدمات به شهروانداز استفاده می کردیم اما تامین بدهی ها و پرداخت حقوق پرسنل ها و از طرف دیگر رسیدگی به کارهای عمرانی که درحال جریان است مدیریت سختی را طلب می کند. بنابراین به کار گیری این عزیزان بستگی به حل شدن امور مالی دارد و با توجه به شرایط پیش آمده اگر نتوانیم کاری کنیم از آنها پوزش می خواهیم و باید طبق روال گذشته به کار ادامه دهند.

مصاحبه با ثریا مظهرنیا

ضعف عملکرد سیستم آموزش و پرورش در رشد وارتقای دانش آموزان

آموزگار فداکار کردستانی جزء ۱۰ معلم برتر جهان شناخته شد

ثریا مظهرنیا، اهل کردستان است و به عنوان معلم در روستای حسن تیمور شهرستان بیجار مشغول تدریس است؛ وی زندگی خود را صرف آموزش و کمک به درمان پزشکی دانش آموزان نیازمند می کند. دارای مدرک آموزش ابتدایی، مدیریت دولتی، مدیریت برنامه ریزی، علوم سیاسی و روابط بین الملل، حقوق بین الملل و دکترای برنامه ریزی می باشد. جایزه بین المللی بنیاد وارکی هر ساله به بهترین معلم‌های دنیا، اهدا می‌شود، ثریا مظهرنیا امسال نماینده‌ی منتخب ایران به عنوان معلم نمونه توسط این بنیاد انتخاب شده است.

مظهرنیا در گفت وگو با خبرنگار اقتصاد کلان درباره چگونگی آغاز کارهای خیرخواهانه اش گفت: چهار سال پیش در روستای همایون مشغول تدریس بودم و با دانش آموزی آشنا شدم که در کودکی دچار سوختگی شده بود. نمی توانستم زجر این کودک را ببینم و با اصرار زیاد از خانواده دختر اجازه گرفتم که او را برای درمان به تهران ببرم و تعداد این دانش آموزان بیشتر و بیشتر شد و در حال حاضر ۱۱۰۰ دانش آموز تحت حمایت های معیشتی و درمانی من قرار دارند. وی با تشویق والدین اش یک موسسه خیریه تاسیس کرد و به ۱۱۰۰ دانش آموزی که مشکلات پزشکی تحصیلی داشتند کمک می کند و همچنین برای زنان خود سرپرست با به سرپرست شغل ایجاد می کند. مظهرنیا از طریق کمک های مردم خیر و اتسان دوستانه هزینه های این کودکان را تامین می کند و همواره در تلاش است افراد خیری را برای کمک به مدرسه و دانش آموزانش پیدا کند تا با حل مشکلات، کیفیت آموزش را نیز بالا ببرد و امیدوار است که سایر خیرین از تمام نقاط دنیا او را یاری دهند.

وی در پاسخ به این سوال که چه چیزی باعث شد فراتر از یک معلم به دانش آموزانش خدمت کند، گفت: عشق و علاقه به بچه های محروم روستا و اینکه همیشه مشکلات مظهرنیا امسال نماینده‌ی منتخب ایران به عنوان معلم نمونه توسط این بنیاد انتخاب شده بود، طی چند سال اخیر و در فصل پاییز به دلیل تغییرات دمایی از یک سو و پدیده تغذیه گرایی در سد قشلاق از سوی دیگر، در شهر سنندج شاهد تغییر طعم و بوی آب بوده ایم. این امر به دلیل بروز تغذیه گرایی و رشد جلبک در سد قشلاق ایجاد شده است. در سالجاری به دلیل کاهش بی سابقه بارندگی ها و پائین آمدن تراز آب در سد قشلاق که بر ایگیری از سد نیز اثرگذار بوده، طعم و بوی آب بیشتر و زودتر از سالیان قبل رخ داده است که امیدواریم با آغاز بارندگی ها و افزایش تراز آب سد بخشی از این مشکل کاهش یابد. **آب شرب شهر سنندج به لحاظ پارامترهای کیفی و میکروبی و شیمیایی کاملا سالم و قابل شرب است و هیچگونه نگرانی بابت سلامت آن وجود ندارد و آب شرب توزیعی در شبکه مطابق با استاندارد ملی ۱۰۵۳ می باشد**؛ ضمن آنکه علاوه بر شرکت آبفا، دانشگاه علوم پزشکی و مرکز بهداشت همواره آب شرب شهر سنندج را پایش می کنند. اما هماننگونه که عنوان شد از نظر گوارایی و طعم و بو مورد رضایت صد درصدی نیست.

تاخت و تاز گرانی افسار گریخته در بازارهای کردستان

ایرانیان هرسال آخرین شب پاییز را که "شب یلدا"یا "شب چله" می نامند با رسم و رسوم خاصی جشن می گیرند و آیین یلدا جزء کهنترین جشن ایرانیان به شمار می آید. برگزاری آیین شب یلدا در مناطق مختلف کشور متفاوت است و هرکدام به شیوه و رسم خاص خود آن را برگزار می کنند و آنچه مشترک در میان همه اقوام مشترک است تهیه آجیل، میوه و شیرینی برای این شب است. اما آنچه این روز ها شیرینی شب یلدا را به کام مردم تلخ کرده وجود کوروناویروس در میان مردم و از همه مهمتر گرانی افسارگریخته حاکم بر بازار در تمام نقاط کشور است.

سالهاست که بازار کردستان نیز از این گرانی بی بهره نمانده و وضعیت اقتصادی مردم را تحت تاثیر قرار داده است. اگر در این روزهای پایانی پاییز گشتی در بازار داشته باشید شاهد گرانی بیش از حد اقلام خوراکی خصوصا آجیل و میوه خواهید بود و مردمی که توان خرید ندارند و تنها به نگاه کردن به قیمت های سرسام آور اقلام خوراکی بسنده می کنند. برای کسب نظر شهروندان به بازار سنندج رفتیم و با آنها گفتگویی داشتیم و طبق انتظارمان زبان همه به گلمندی از وضعیت آشفته و نابسامان بازار می چرخید. احمدی یکی از شهروندان سنندجی که به همراه مادرشان برای خرید به بازار آمده بودند گفت: قیمت اجناس به حدی بالاست که آدم را از خرید منصرف می شود و از سوی دیگر به خاطر رسم و رسوم مجبور به خرید هستیم و بیشتر حقوق این ماه را باید فقط صرف خرید چند قلم جنس شود. احمدی با ابرازگلمندی از نظارت ها بر وضعیت بازار اذعان داشت که اگر هر گونه مسئولی در این شهر برای نظارت وجود ندارد و کسبه ها هرقیمتی که دلخواه خودشان باشد بر روی اجناس می گذارند و ترسی از کسی ندارند. کمی آن طرف تر با خانم مسنی به گفتگو پرداختم، او هم دل پری از آشفتگی بازار و قیمت ها داشت و گفت: اگر خدا با همه ما قهر کرده که روزبه روز وضعیمان بدتر می شود. اگر اینطور باشد که ما که قشر فقیر جامعه هستیم باید فاتحه خودمان را بخوانیم و از گرسنگی بمیریم.

با چهره ای معموم سوگندمان می داد که صدایش را به گوش مسئولین برسانیم و بگوییم که با وجود این گرانی ها دیگر توانی برای خرید مایحتاج روزانه ی خود نداریم و روز به روز فقیرتر و مستمندتر می شوند.

او میگوید: آخرین باری که توانستم مقداری آجیل بخرم را به یاد ندارم.

به بازار میوه فروش ها رفتم چرا که میوه اصلی آموزانم داشته باشم و در حال حاضر از تعداد هزار و صد فرزندی که دارم سیصد نفر آن ها دچار بیماری هستند و مابقی مشکلات دیگر دارند. از جمله فعالیت های خیرخواهانه ایشان تامین هزینه های تحصیلی دانش آموزان، پیگیری درمان دانش آموزان، کارآفرینی و اشتغال خانواده های دانش آموزان، شناسایی کودکانی که ترک تحصیل کرده اند و بازگرداندن آن ها به تحصیل است. او در ادامه می گوید: علاوه بر بیماری دانش آموزان و فقر خانواده های آنها نبود مدارس و امکانات لازم از مشکلات دیگر مناطق کم برخوردار است. مظهرنیا معتقد است برای کودکی که در خانواده با مشکلاتی مانند فقر، اعتیاد و بیکاری دست وپنجه نرم می کند باید قدمی برداشته شود و این مشکلات رفع شود تا کودک بتواند با خیال آسوده درس بخواند و به آینده اش فکر کند. وی **عملکرد سیستم آموزش و پرورش را در رشد و ارتقای دانش آموزان ضعیف توصیف کرد** و افزود: **سیستم آموزش پرورش مشکلات فراوانی دارد** زیرا حسی خواهد به دانش آموزان القا کند که به چه چیزی فکر بکنند ولی در واقع باید چگونه فکر کردن را به کودکان یاد دهد و همچنین سیستم آموزشی کشور در انتقال مهارت های زندگی به کودکان تلاش نمی کند و دانش آموزان بعداز دیپلم تنها یک مدرک دارند و از آموزش خیلی چیز ها بازمانده اند. او می گوید:

آموزش و پرورش ایران تا کنون از وی تقدیر نکرده است اما فداکاری این آموزگار باعث شد جزء ۱۰ معلم برتر جهان قرارگیرد.

نفس روستاهای "کیلک" و "چنو" بند آمده است

این روزها از زباله به نام طلای کثیف نام می برند و با تبدیل آن به کود و انرژی ثروت آفرینی می کنند اما **در استان کردستان با توجه به اینکه میزان زباله تولید شده بالاتر از میانگین کشوری است** این فرصت به تهدیدی برای محیط زیست و سلامت جامعه تبدیل شده است.

سایت دفن زباله شهر سنندج با وسعت ۳۵ هکتار، کیلومتر ۱۲ جاده سنندج- کامیاران در محدوده دو روستای "کیلک" و "چنو" قرار دارد که به علت مجاورت آن با اراضی کشاورزی، آلودگی هوا و آلودگی آب های سطحی و زیرزمینی منطقه را به همراه دارد. همچنین به دلیل افزایش حجم زباله های تولید شده مکان فوق ذکر قابلیت پذیرش این حجم را ندارد؛ شیرابه زباله از آلوده ترین ترکیبات تولید شده از پسماند دیوه شده صنعتی و شهری می‌باشد که حاوی حجم بسیار بالایی از مواد آلی و ترکیبات شیمیایی و معدنی است و این ترکیبات یکی از بزرگترین تهدیدها برای سفره‌های آب زیرزمینی به شمار می‌آید.

به گزارش اقتصاد کلان، سنندج سال هاست که با معضلات مربوط به جایگا

نیشتمان
مروری بر یک راه حل ناکارآمد

در چند ماه اخیر موضوعی در محافل اداری و تخصصی در عرصه مدیریت شهری بنام "شهرک نیشتمان" سنندج مطرح شده و تصویب آن در مرجع مربوطه اعلان گردید.
قرار است این شهرک بخشی از ضعف های شدید شهر سنندج در زمینه عرضه زمین شهری را کاهش دهد.
بنظر این کمترین در حوزه پژوهش شهری در دو دهه اخیر گامهای برنامه ریزانه مدیریت شهری در نظام عرضه و تقاضای زمین شهری دچار سه اختلال اساسی زیر است که مردم شهرهای استان به ویژه سنندجیان را بسیار آزار داده، موجب کمبود خدمات و نارضایتی در زندگی شهری، پیشخوری ظرفیت های شهر برای دو دهه آینده، ایتلا به امراض شهری همچون ترافیک و آلودگی هوا و تراکم نامطلوب شده است. این سه عامل مختل کننده محصول مدیران شهری در حوزه تامین زمینی شهری و شهرسازی عبارتند از: (با اذعان به شمولیت موضوع به شهرهای بزرگ استان بر سنندج متمرکز می شوم)

۱-منجمد ساختن محدوده شهر: تقریبا دهها سال شهرسازی این اصل را قبول دارد که "اساسا هر شهری داستان توسعه خاص خودرا دارد." این داستان در سیاری با بندر عباس و هامبورگ با وین و نیویورک شرایط کاملا متفاوتی را بر آن شهرها حاکم می کند. وظیفه مدیران دخیل در توسعه شهری شناخت دقیق قابلیت های توسعه و همینطور مسئله های آن شهراند.
بر این اساس شکست ها و توفیقات در توسعه پیچیده ترین ساخته بشر- شهر-تبیین می شود. در این میان بنظر می رسد که مدیران شهری در سنندج نه شناخت دقیقی از قابلیت های توسعه شهر دارد و نه مسئله های شهری را بدرستی درک کرده اند. برای تبیین ادعای خود توضیح مختصری خواهم داد.
سنندج شهری با سطح میانه، قدرت اندک مرکزیت در میان شهرهای استان، بر اریوزگی های خاص و متمایز کالبدی و فضایی است.
این شهر آرام گرفته درمیان ارتفاعات و با شکل کالبدی نه چندان آماده برای گسترده گی، شهری متراکم با زمین کم است. سالهاست مدیران شهری در رقابت میان دو گزینه گسترش افقی شهر و گسترش عمودی آن، دومی را انتخاب کرده اند. بنظر نویسنده این سطور این انتخاب نتایج مطلوبی را برای "زندگی" در شهر مهیا نکرد. دلایل برتری دادن عمودی کردن سنندج رواج سوداگری تحت عنوان توسعه و اشتغال زایی، سهل الوصول بودن فروش شهر نسبت به تلاش صعب درگرش افقی شهر و عدم توجه به منافع پایدار شهر سنندج بوده است. متاسفانه برخی از مسئولین استانی نیز بر طبل عمودی کردن شهر برای دو دهه اخیر بدون توجه به قابلیت های توسعه عمودی شهر واقعاً ناگوار است و برای همگان ملموس.
نارضایتی از حرکت در شهر، ترافیک، آلودگی، آشفتگی سیما و منظر تخریب منابع اکولوژیک شهر همچون خاک شهری، چشمه ها و تپه ها و تبدیل کردن شهر به تل هایی از ساختمان های نامانوس در محل هایی خاص که سوداگران تشخیص داده اند و بوروکراسی اداری در اطاعت از آنها مجوز صادر واقدامات آنها را رسمی کرده است. نارضایتی همسایگان؛ تغییرات شدید اجتماعی در محلات مختلف، بورس بازی و جولان قیمت های نجومی قابل رقابت با مرکز و مناطق شمالی پایتخت، تعاونی های مسکن با انبوهی از پرونده های قضایی، حجم بسیار بالای پرونده های ماده ۱۰۰، حذف فضاهای شهری به نفع سوداگری و بسیاری از چالش های دیگرهمگی نتیجه اصرار مدیران بر توسعه عمدی شهر در دو دهه اخیر است. با در پیش گرفتن این رویکرد عمدتا آفرین، شهر بعنوان ماشین گریز از مرکز بزرگی عمل می کند که غول سوداگری هر روز آن را روشن می کند تا عده بیشتری از اقشار ضعیف شده بلحاظ مالی که عمدتاً اجاره نشین اند را به خارج از شهر پرت کند.

۲-ناتوانی در پایش کلان شرایط دائما درحال تاخیر سنندج:
این بحران ریشه آی حداقل بیست ساله دارد و محصول غفلت است. حاصل این غفلت را در رشد های انفجاری روستا های شهر شده!
آساوله با ۲۱.۸۷ درصد، دوشان با ۱۲.۶ درصد، قار ۴درصد، باباریز ۳.۲ درصد، قلیان ۸.۱ درصد، سرخه درج ۹.۶۷درصد، سراب قامیش ۲.۳۷ درصد رشد سالانه جمعیتی دید **که هر کدام نایسری را در آینده نوید می دهند.**
خواننده عزیز به نظر شما دلیل چنین رشد انفجاری جمعیتی چیست؟ آیا غیر از اصرار معنا داربیست سالا بر منجمد کردن لبه شهر است.
بزوندی تامین خدمات این سکونتگاه ها بارهای عمده ای را بر شهرداری نحیف سنندج خواهد نهاد. جای تاسف است که از ریشه یابی پدید آمدن نایسر غافل شدیم تا پیامد آن شکل گیری ۵تا ۱۰ سکونتگاه دیگر باشد.
دو دلیل دیگر برای غیر منطقی بودن انجماد شهردارم:
یکی از آنها قیاس محدوده استاندارد یک شهر کوهستانی همراه با سنندج است. آیا شهری با نیم میلیون جمعیت که مرکز استان باشد و در درون ارتفاعاتی این چنین آرمیده، باید ۴ هزار هکتار محدوده طرح تفصیلی میداشت؟ شهرهای همسان آن از چه میزانی برخوردارانند؟ چرا مدیریت شهری به این موضوع مهم در دو دهه اخیر توجه ننموده است تا عرضه زمین رانتی نشود؟
شاید بگویید رانت زمین و افزایش آن ناشی از تورم عمومی کشور است برای رد این موضوع به جدول زیر بنگرید که در روزنامه دنیای اقتصاد (شنبه ۱۱ مرداد ۱۴۰۰ به شماره ۵۲۳۲) چاپ شده است. تا بدانیم ما دچار تورم مضاعف بر تورم عمومی کشور بدلیل اصرار بر ایده اتحاد شهری هستیم. این وضعیت در سال ۱۳۹۵- ۹۷ وخیم تر نیز شد چرا که با تصویب طرح توبه های شهری سنندج ۲۵ درصد از سطح فضای باز شهر نیز بدرستی برای حفظ منافع شهر منجمد گردید اما مابه ازای آن و تامین فوری آن تنها با افزایش تراکم بی مهابا در کمیسیون های ماده ۵ جبران شد که به معنی پاک کردن صورت مسئله و ناتوانی در درک مسئله شهر است.

۳-پاک کردن صورت مسائل شهری:
داستان اینگونه تعریف می شود: مدیریت شهری بدلایل ناموجه لبه های شهر را منجمد می کند و برای بیست سال توسعه شهری نظام مند و رسمی در سطح افقی را منکوب می کند در پی این اقدام نسنجیده سوداگران که هوشمندی ذاتی در ایجاد و کسب فرصت های غیر رسمی دارند در قالب اشخاص حقیقی و حقوقی اقدام به معاملات رسمی زمین در لبه های شهری می کنند و حتی ساخت و سازهای تامین فوری آن را ترفندهای زیرکانه شکل می دهند و گوش هایشان را برای شناسایی محل های توسعه تیز می کنند. بدلیل عقب ماندگی خود خواسته مدیریت شهری از آنها، هم اکنون هر اقدام آزاد سازی لبه ها منجر به سودهای کلان می گردد چراکه در زمان خود اجازه رشد افقی و تعادل سازی در عرضه و تقاضای زمین را نداشیم و رانت را ایجاد کرده ایم. رشد روستاهای مندرج در آمار فوق ناشی از رشد طبیعی روستاییان آنها نیست بلکه آنها تبدیل به کانون های دلالی زمین شده اند.
حال پس از دو دهه غفلت بناگاه مدیریت شهری که دیگر زمینی برای تامین مسکن طرح های ملی ندارد بفکر شهرک سازی افتاده اما چنین اقدامی بسیار دیر و از اهداف خود به دور و ابتر و ناپایدار و ناکارآمد است که در زیر آنها را بر می شمرم اما قبل از آن بر ایرادی قانونی متمرکز می شوم:

۱)درآمدی بر مفهوم "شهرک":
بنا بربخش اقل از ماده یک آیین نامه استفاده از اراضی، احداث بنا و تأسیسات در خارج از حریم شهرها و محدوده روستاها (۱۳۹۱/۰۲/۱۰) شهرک جایست که:
" شهرک: محلی که در خارج از حریم شهرها برای احداث واحدهای مسکونی قابل تملک شخصی به همراه کلیه بناها و تأسیسات مورد نیاز عمومی و اجتماعی سکنه به صورت مجتمع برای سکونت دایم و تأمین نیازهای عمومی و اجتماعی و رفاهی شاغلین بخشهای مختلف اقتصادی و اجتماعی یک منطقه و یا به منظور استفاده گردشگری، تفریحی، زیارتی، تجارتی، تحقیقات و فناوری و سایر شهرکهای تخصصی (به استثنای شهرکهای صنعتی که تابع ضوابط خاص خود می باشد) ایجاد و توسط هیات امنا اداره می گردد."
همانگونه که ملاحظه میگردد درآیین نامه مزبور مهمترین ویژگی شهرک از لحاظ استقرار توجه به توسعه منفصل سکونتگاه های شهری به جهت استقرار بهتر نقاط زیستی برگرفته از الگوهایی چون طرح های مجموعه شهری متشکل از یک شهر مادر یا اقمار آن است که در تعدادی از کشورهای جهان بعنوان تجربه هایی موفق مطرح شده است. اما در سال ۱۳۹۹ مدیریت کلان شهرسازی و معماری کشور بطور کامل تغییر جهت داده و در قالب بازبینی و اصلاحیه، جهت گیری شهرک سازی دچار چرخش ۱۸۰ درجه کرده است. بنابر دستور العمل ترویج شهرک سازی ۱۳۹۹/۰۲/۰۸ شورایعالی شهرسازی و معماری ایران شهرک اینگونه تعریف شده است:

> شهرک مجموعهای سکونتی فعالیتی است، که در خارج از محدوده و حریم شهرها، با حدود معین و محصور، برای استقرار جمعیت، احداث بنا و تأسیسات در خارج از حریم شهرها و محدوده روستاها (۱۳۹۱/۰۲/۱۰) شهرک جایست که:

۲)برخی داده های مربوط به پروژه نیشتمان:
شهرک موسوم به نیشتمان پس از تهیه لیست کوتاه از چند نقطه پیشنهادی و سپس انتخاب نهایی میان دو گزینه در حوار روستای سرخه دزج و با مساحت ۴۰۳ هکتار و با فاصله از شهر مادر (سنندج) به میزان ۳ کیلومتر توسط مراجع مربوطه تصویب شده است -هر چند ایراد حقوق مربوط به مفهوم شهرک همچنان بنظر نویسنده باربجاست- این شهرک در داخل حریم شهر و شمالی ترین لبه آن در شمال پادگان لشکر و با فاصله از آن قرار دارد. این شهرک بنابر اطلاعات طراحان آن برای اسکان ۲۸۰۰۰ هزار نفر از دو طبقه سکونتی نیازمندان مسکن در طرح های ملی و خانه دومی ها پیش بینی شده است.
دو پایه اقتصادی لجستیک و گردشگری نیز برای این سکونتگاه پیش بینی شده است که انگیزه از تعریف این دو بنیان، نزدیکی به شبکه راه های دسترسی با قابلیت اتصال مرزی و همینطور شهر خلاق موسیقی بوده است که تحلیل امکانسنجی اسن دو چایه به زمان دیگری موکول می گردد.

۵)اساسی ترین ایرادات وارده بر پروژه موسوم به نیشتمان:
اول: شهرک مزبور در افق اجرای آن تنها برای ۲۸۰۰۰ نفر اسکان پیش بینی شده است. توجه تان را به کمبود ۱۱۸۲ هکتاری زمین و ۱۱۸۲۴۷ نفر شهروند نیازمند اسکان رسمی جلب می نمایم.
سوال اول این است که با فرض بعید تحقق این اسکان تکلیف جمعیت مابقی چیست؟ برنامه کنونی مدیریت شهری برای این افراد و نیازهای آنها چیست؟ دقت کنید که شروع بازه زمانی سال ۱۳۹۵ بود و از تقسیم ۱۱۸۲۴۷ نفر به ۱۵ سال، سالی ۷۸۳۳ نفر تعهد است که با گذشت ۵ سال از سال ۱۳۹۵ هم اکنون میبایست ۳۹۴۱۵ نفر را در خارج از محدوده شهر (خارج از حریم شهر) جای میدادیم!
دوم: شهرک برای دو طبقه کاملا متفاوت اجتماعی طراحی شده است؛ طبقه نیازمند مسکن ثبت نامی در طرح ملی و خانه دومی های ثروتمند که علی القاعده از تیپ متفاوتی برای اسکان استفاده میکنند که تلفیق و ترکیب این دو حتی در قالب مفهوم Gentrification هم باشد جای سوال دارد.
سوم: موضوع مهم دیگر اینست که ظاهرا مدیریت شهری در پیش بینی های خود دور زدن اراضی اطراف پادگان لشکر را مدنظر قرار داده است با نگاهی به نقشه شهرک موسوم به نیشتمان پس از تهیه لیست کوتاه از اراضی محدوده توسعه، اراضی ۶۰۰ هکتاری برای خرید توسعه و شهرک نیشتمان بدین گونه جانمایی شده اند که دو سوال مهم را پیش میکشد:
۱-آیا چنین تدبیری با پروتکل های پدافندی وپدافند غیر عامل پادگان منطبق است؟ آرزوی پژوهشگر اتفاقاً اینست که منطبق باشد تا بتوان سوال دوم را مطرح کنم که اگر اساسا احاطه پادگان با کاربری های مسکونی ممکن است آیا زمان به پیش کشیدن طرح جایجایی پادگان لشکر با حفظ حقوقات قانونی ایشان و سهیم ساختن آنها در توسعه اراضی و پیش بینی محل مناسب برای ایفای نقش بهتر پادگان نرسیده است؟ یا احاطه پادگان با کاربری های شهری و مسکونی آیا قابلیت های نظامی آن همچنان حفظ می گردد؟
چهارم: مدیریت قطعه قطعه: یکی از بدترین شیوه های طراحی سکونتگاه ها در داستان توسعه شهر سنندج، الحاقات جزء به جزء و لکه به لکه به شهر است؛ در پهنه موضوع بحث ۵ جزء پهنه وجود دارد که تنها نیشتمان که اتفاقا دورترین پهنه به شهر است مصوب شده است؛ مدیریت شهری با عدم تهیه یک کلان طرح یکپارچه مفهوم کژ توسعه گی را بطور کامل به منصه ظهور رسانیده است و یک اشتباه تراژیک را رقم زده است.
پنجم: چالش دسترسی از مهمترین ایرادات بر طرح است. مهمترین رکن در ایجاد سکونتگاه های منفصل دسترسی به شهر مادر است به رغم ادعای متصل بودن شهرک نیشتمان به شهر مادر چالش دسترسی بدلیل ماهیت خوابگاهی سکونتگاه مورد کم توجهی قرار گرفته و اتصال به شبکه های شهری و نحوه اجرای آن حتی قبل از آماده سازی اراضی عملا فاقد متولی و امکانپذیر نیست.
ششم: تاثیر طرح بر سوداگری: وضعیت تهیه طرح بگونه ایست که سوداگری در معاملات سمی زمین دردو پهنه را فرهم میسازد. پهنه اول حد فاصل لبه شمالی زمین با شبکه معابر برون شهریست و پهنه دوم حد فاصل جنوب شهرک تا منتهی الیه شمالی پادگان است که بعنوان محدوده ۶۰۰ هکتاری شناسایی شده است.
هفتم: نحوه تصویب و اطلاع رسانی طرح: از زمان بندی نامناسب تصویب طرح (همزمانی با جابجایی شهردار ئ شروع بکار شورای شهر جدید) که بگذریم،باید به بند ۳۴ (الحاقی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) ماده ۷۱ وظایف شورای اسلامی شهر ذیل قانون تشکیلات وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ اشاره کرد:

> "بررسی و تایید طرح های هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی شهرها پس از ارایه آن توسط شهرداری و ارسال به مرجع ذیربط قانونی جهت تصویب نهایی"

بر این اساس و با توجه به اطلاع طرح جامع شهرک نیشتمان و اعلان آن توسط مراجع ذیربط، کنترل انجام این بند توسط شورای اسلامی شهر سنندج و تشکیل جلسات کارشناسی مربوطه در این شورا (شورای دوره پنجم و ششم) قبل از تصویب در مراجع مربوطه آیا انجام شده است؟
همچنین باتوجه به لزوم اعلان طرح های شهری برای دراوّر آنکه تقدم این افزایش قیمت و ساخت و ساز در این دو سکونتگاه بسی زودتر از شروع عملیات آماده سازی شهرک مزبور است.

نهم: اهمیت نقش و حالت اراضی کشاورزی و باغات در محدوده پروژه: برابر داده های پروژه با توجه به نکته مهم دیگری بچشم می خورد: از ۴۰۳ هکتار محدوده شهرک ۱۴۴ هکتار آن اراضی ملی بوده که تحت تصرفات غیر قانونی اند و ۱۰۰ هکتار نیز در شیب های نامناسب برای بارگزاری قرار دارند. چنین آماری نشان دهنده تحقق پذیری اندک پروژه در شرایط عدم تدوین سازوکارهای نظارتی و پیشدستی سودآری بر طرح های توسعه شهریست. ۵۰ هکتار از اراضی نیز شخصی بوده که عمدتا باغ بوده و با اجرای پروژه احتمالاً تبدیل غیر قانونی این باغات در طول زمان به کاربری مسکونی را شاهد خواهیم بود.

دهم:رابطه با پتانسیل های زیستی (تپه ها و چشمه ها): در این مطالعات تاثیر اعمال ضوابط محدود کننده تپه های واقع در حریم شهر و همینطور کنترل وجود مسر چشمه ها و منتزع کردن آنها از توسعه بچشم نمی خورد که جای سوال است.
میتوان موارد متعدد و بسیار مهم دیگری همچون نقش کمرنگ و حتی بیرنگ شهرداری در مراحل تهیه و تدوین این طرح و همچنین توجه به موضوع تامین آب و عدم اظهار نظر واضح و شفاف در خصوص نحوه تامین پایدار نیاز آبی سکنه نیشتمان ازآن جمله بوده که میتوان آنها را بر این ضعف ها افزود لیکن به همین تعداد بسنده میکنم.
همچنان عقیده دارم که اغییر پاراديم غالب از توسعه عمودی و انجماد شهرهای استان علی الخصوص محدود کننده تپه های واقع در حریم شهر و همینطور کنترل وجود مسر چشمه ها و منتزع کردن آنها از توسعه بچشم نمی خورد که جای سوال است اما وجود تنگی زمان، هیچگاه تلالو نور امید از شهررخت نبسته است و فرصت برای اصلاح روندها باقیست.

صدور نخستین نشان حلال برای آدامس و لواشک در کردستان

ژیلا یزدانی مدیرکل استاندارد استان کردستان، در خصوص صدور نشان استانداردمحصولات اظهار داشت: صدور پروانه استاندارد حلال برای هر محصولی با درنظر گرفتن آیتم‌های تعیین شده و از روی چک لیست صادر شده از سازمان ملی استاندارد ایران انجام می‌شود و این مهم برای هر نوع محصولی متفاوت است.
یزدانی افزود: در جلسه ی کمیته‌ی علائم که با حضور حاج آقا محمدی کیا نماینده ولی فقیه و ناظر بر امور حلال سازمان ملی استاندارد و کارشناسان امور اسلامی حلال اداره کل برگزار شد، پروانه کاربرد نشان حلال برای فراورده های آدامس و لواشک واحد تولیدی سقز سازی کردستان با توجه به شرایط مناسب واحد تولیدی صادر شد.
وی با بیان اینکه سازمان ملی استاندارد ایران تنها مرجع رسمی اعطای نشان حلال در کشور و هماهنگ کننده میان دستگاه‌های اجرایی کشور در حوزه تجارت و محصولات حلال است، گفت: واحدهای تولیدی به ویژه واحدهای صادرات محور برای دریافت استاندارد حلال می‌توانند به ادارکل استاندارد استان مراجعه کنند.

ثبت ۱۰اثر میراث ناملموس کردستان در فهرست ملی کشور

یعقوب گوبلیان مدیرکل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی کردستان گفت : در جلسه شورای ملی ثبت میراث‌فرهنگی ناملموس در وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی برگزار شد، استان کردستان به دفاع از ۱۰ پرونده میراث ناملموس پرداخت.
مدیرکل اداره میراث‌فرهنگی کردستان با بیان اینکه تمامی این پرونده‌ها با توجه به ثبت جهانی منظر فرهنگی هورامان از این منطقه انتخاب شده بودند، افزود: سهمیه استان کردستان در سال ۱۴۰۰ تعداد هفت پرونده بود که سه پرونده اضافه بر تعهد استان ارائه و ثبت شد. خوشبختانه توانستیم این ۱۰ اثر واجد شرایط را که شامل معماری خشکه‌چین هورامان، رسم جمعانه در هورامان، شیوه تهیه آش آیینی هلوشین، شیوه تهیه نان گیته‌مرّگی، مهارت ساخت کرسی قرآن، مهارت ساخت شانه چوبی، مهارت ساخت لنری (دوک نخ‌ریسی)، شیوه ساخت تسبیح ون، بازی قولان و بازی خلیران، ثبت ملی کنیم.

گازرسانی به روستاهای صعب العبور و نقاط صفر مرزی استان کردستان

احمد فعله گری مدیر عامل شرکت گاز استان کردستان گفت: گازرسانی، نگهداری و انتقال گاز به داخل منازل روستاهای نقاط کوهستانی استان بسیار سخت بوده و گازرسانی به مناطق صعب العبور و نقاط صفر مرزی جزو شاهکارهای شرکت گاز استان کردستان است.
احمد فعله گری افزود: در استان کردستان روستاهای صعب العبور بسیار زیاد است و گازرسانی به این مناطق کوهستانی و سخت ثمره تلاش و زحمات همکاران در استان و همکاری و تعامل سایر سازمان هاست.
وی با بیان اینکه مردم قدردان این زحمات هستند و می‌دانند که جمهوری اسلامی چه خدمات ارزشمندی به آنها ارائه داده است، اظهار داشت: با توجه به اینکه تامین سوخت مایع به این مناطق صعب العبور هرساله به سختی و با مشقات فراوان انجام می‌گرفت، شرکت گاز کردستان برای هموار شدن و رفاه حال مردم اقدام به گازرسانی کرده‌اند.
وی با بیان اینکه وقتی به شهر یا روستایی مرزی گازرسانی میشود مسئله فاجاق خودبه خود منتفی میشود، افزود: کنترل سوخت مایع و جلوگیری از قاچاق آن دشوار بود و تبعات ناشی از آن برای کشور بسیار بود به همین دلیل گازرسانی به این مناطق از اهمیت خاصی برخوردار است.

حفاظت ازبافت تاریخی شهرسنندج با اجرای پروژه های باز آفرینی

عرفان مرادی مدیر کل راه و شهرسازی کردستان با بیان اینکه سه مورد از پروژه های در حال اجرای طرح باز آفرینی شهری سنندج مربوط به حوزه بافت تاریخی شهری است، اظهار داشت: این طرح ها شامل مرمت خانه تاریخی عمارت رشیدی، میدان و بقعه پیرعزیزالله و سامانده‌ی پیاده راه محله آغه زمان است که برای حفظ اصالت تاریخ شهری اجرا می شود.
مرادی با بیان اینکه عمارت رشیدی سنندج با دو میلیارد و ۱۸۰ میلیون ریال اعتبار و ۹۰درصد پیشرفت فیزیکی در حال مرمت است، گفت: این خانه از املاک در اختیار راه و شهرسازی است که پس از اجرای طرح پیاده راه سازی و اتصال این محله به سرای علیدی برای انجام فعالیت های فرهنگی تغییر کاربری داده می شود.
وی تاکید کرد: طرح پیاده راه تاریخی و فرهنگی محله آغه زمان سنندج به عنوان اولین طرح بازآفرینی شهری در محله های تاریخی استان کردستان به طول ۳۵۰ متر در دو مرحله در حال اجراست که برای مرحله اول آن حدود ۵۴ میلیارد ریال اعتبار تخصیص یافته است.

برخورد قضایی با استخراج کنندگان غیرقانونی رمزارزها

روابط عمومی شرکت توزیع برق کردستان مراکز غیرمجاز استخراج رمزارزها را تهدیدی برای صنعت برق کشور و استان کردستان خواند وهشدارداد: برخورد با استخراج کنندگان غیرقانونی رمزارزها باکمک مراجع امنیتی و انتظامی در دستور کار جدی این شرکت قرار دارد، ازاین رو با توجه به اینکه استفاده ازماینرها ، بدون مجوز قانونی، کسب و کاری غیرقانونی محسوب و باعث آسیب رساندن به اموال عمومی و تضییع حقوق مشترکان برق میشود، به شدت با آن برخورد میشود.
مجددا به تمامی مصرف کنندگان غیرمجاز رمز ارز که بصورت مخفیانه و با سواستفاده ازاشتراک برق، این انرژی حیاتی را به هدر می دهند اکیدا هشدارداده میشود به سرعت فعالیت های خود را متوقف کرده درغیرایصورت بر اساس ضوابط جدید ابلاغی و حسب هماهنگی های بعمل آمده ضمن قطع اشتراک برق و جمع آوری لوازم اندازه گیری و تجهیزات جانبی آنها، خسارت وارد به شبکه برق از آنان محاسبه و اخذ خواهدشد. همچنین درصورتی که مراکز استخراج رمز ارزها که باسوء استفاده ازانشعابات قبلی مانندکشاورزی یا صنعتی به اینکارمبادرت کنند ضمن جمع آوری انشعاب و اعمال جریمه های سنگین و صدور تعدیلی براساس نرخ برق صدارداتی، با مالکان آن نیزاز طریق معرفی به مراجع قضایی و امنیتی برخورد قانونی خواهدشد.

طرح نهضت ملی نویدی برای ساخت و عرضه ۴ میلیون واحد مسکونی تا سال ۱۴۰۴

saman.mrud.ir بازشده و متقاضیان مسکن مهر در سطح استان کردستان به استثنای واحدهایی که مشکل و پرونده حقوقی دارند تا پایان سال جاری به اتمام رسیده و به متقاضیان تحویل و پرونده مسکن مهر استان بسته خواهد شد.
طبق اعلام وزارت راه و شهرسازی، شرایط ثبت‌نام برای متقاضیان نهضت ملی مسکن به این شرح می باشد:
پیش‌تر بانوان خودسرپرست بالای ۳۵ سال سن، معلولان جسمی و حرکتی و نخبگان علمی امکان ثبت‌نام را داشتند که با مصوبه دولت هم اکنون آقایان مجرد بالای ۴۵ سال و بیماران خاص هم امکان ثبت‌نام را یافته‌اند. همچنین دولت سیزدهم برای آنکه بتواند در جهت افزایش ازدواج و جمعیت فعالیت ویـژه‌ای انجام بدهد، به وزارت راه و شهرسازی تکلیف کرده است تا شرایط ثبت‌نام برای سایر مجردان را هم فراهم کند که جزییات آن بعدا اعلام می‌شود.

مجموع ۸۷ هزارو ۲۳۹ واحد مسکونی سهم استان کردستان از طرح اقدام ملی و نهضت ملی مسکن

وزارت راه و شهرسازی در راستای کمک به تامین مسکن و پیشرفت سریع پروژه های مسکن ملی اقدام به ادغام طرح اقدام ملی مسکن با نهضت ملی مسکن نمود.

طبق آمار اعلام شده از سوی وزارتخانه راه و شهرسازی در مجموع بیش از ۳/۶ میلیون نفر درسامانه ثبت نام و متقاضیان حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان به حساب بانک مسکن واریز کرده اند که با ادغام این دو طرح همه ثبت نام کنندگان از مزایایی یکسان برخوردار خواهند شد. همزمان با شروع ثبت نام در طرح نهضت ملی که نوید ساخت و عرضه ۴ میلیون واحد مسکونی را تا سال ۱۴۰۴ می دهد بازار مسکن آرام گرفته و رشد قیمت ها در نیمه دوم سال متوقف شده است بررسی ها نشان می دهد قیمت مسکن در نیمه دوم سال ۱۴۰۰ تحت تاثیر اجرای طرح نهضت ملی مسکن با ریزش قیمت در برخی مناطق و ثبات قیمت در برخی مناطق دیگر مواجه شده است این در حالی است که بازار مسکن در شش ماه نخست سال از تقاضاهای سرگردان رنج می‌برد و جمعیت زیادی که نتوانسته بودند در طرح های قبلی مسکن ثبت نام کنند به عنوان متقاضی مصرفی خانه در صف انتظار مانده بودند. طرح جهش تولید مسکن یا مسکن حمایتی که با روی کار آمدن دولت سیزدهم کلید خورد همزمان با سراسر کشور در استان کردستان نیز اجرایی شد و مطابق برنامه ابلاغیه وزارت راه و شهرسازی و بر اساس مطالعات طرح مصوب مسکن و آخرین تغییرات ابلاغیه این وزارتخانه در قالب طرح اقدام ملی و نهضت ملی مسکن در مجموع ۸۷ هزار و ۲۳۹ واحد مسکونی سهم برای استان کردستان پیش‌بینی شده است.

به گفته مصطفی رضایی معاون مسکن و بازآفرینی شهری اداره کل راه و شهرسازی کردستان، ثبت نام برای طرح اقدام ملی مسکن در سه نوبت انجام و تعداد ۱۲۵۰۰ نفر متقاضی پایه شده و تامین زمین در حد ۵۰ درصد برای متقاضیان انجام شده است و در شهر سنندج نیز در مناطق مختلف اراضی لازم مد نظر قرار گرفته و به ترتیب و بر اساس زمان واریز وجه متقاضیان در پروژه‌های مختلف، در حال جانمایی است.
رضایی اذعان داشت: در خصوص طرح جهش تولید یا نهضت ملی مسکن نیز طبق توافقات انجام شده در دوره های زمانی مختلف و برای شهرهای مختلف، با توجه به تامین زمین که در هر شهر اتفاق خواهد افتاد سامانه ثمن به آدرس سایت مسکن و پیشرفت سریع پروژه های مسکن ملی اقدام به ارائه اطلاعیه اجرایی کرده است که چهار پهنه اراضی ارتش، خورد همزمان با سراسر کشور در استان کردستان نیز اجرایی شد و مطابق برنامه ابلاغیه وزارت راه و شهرسازی و بر اساس مطالعات طرح مصوب مسکن و آخرین تغییرات ابلاغیه این وزارتخانه در قالب طرح اقدام ملی و نهضت ملی مسکن در مجموع ۸۷ هزار و ۲۳۹ واحد مسکونی سهم برای استان کردستان پیش‌بینی شده است.
این موضوع پیداست که چهار پهنه اراضی ارتش، اراضی محدوده توسعه، اراضی ۶۰۰ هکتاری برای خرید توسعه و شهرک نیشتمان بدین گونه جانمایی شده اند که دو سوال مهم را پیش میکشد:
۱-آیا چنین تدبیری با پروتکل های پدافندی وپدافند غیر عامل پادگان منطبق است؟ آرزوی پژوهشگر اتفاقاً اینست که منطبق باشد تا بتوان سوال دوم را مطرح کنم که اگر اساسا احاطه پادگان با کاربری های مسکونی ممکن است آیا زمان به پیش کشیدن طرح جایجایی پادگان لشکر با حفظ حقوقات قانونی ایشان و سهیم ساختن آنها در توسعه اراضی و پیش بینی محل مناسب برای ایفای نقش بهتر پادگان نرسیده است؟ یا احاطه پادگان با کاربری های شهری و مسکونی آیا قابلیت های نظامی آن همچنان حفظ می گردد؟
چهارم: مدیریت قطعه قطعه: یکی از بدترین شیوه های طراحی سکونتگاه ها در داستان توسعه شهر سنندج، الحاقات جزء به جزء و لکه به لکه به شهر است؛ در پهنه موضوع بحث ۵ جزء پهنه وجود دارد که تنها نیشتمان که اتفاقا دورترین پهنه به شهر است مصوب شده است؛ مدیریت شهری با عدم تهیه یک کلان طرح یکپارچه مفهوم کژ توسعه گی را بطور کامل به منصه ظهور رسانیده است و یک اشتباه تراژیک را رقم زده است.
پنجم: چالش دسترسی از مهمترین ایرادات بر طرح است. مهمترین رکن در ایجاد سکونتگاه های منفصل دسترسی به شهر مادر است به رغم ادعای متصل بودن شهرک نیشتمان به شهر مادر چالش دسترسی بدلیل ماهیت خوابگاهی سکونتگاه مورد کم توجهی قرار گرفته و اتصال به شبکه های شهری و نحوه اجرای آن حتی قبل از آماده سازی اراضی عملا فاقد متولی و امکانپذیر نیست.
ششم: تاثیر طرح بر سوداگری: وضعیت تهیه طرح بگونه ایست که سوداگری در معاملات سمی زمین دردو پهنه را فرهم میسازد. پهنه اول حد فاصل لبه شمالی زمین با شبکه معابر برون شهریست و پهنه دوم حد فاصل جنوب شهرک تا منتهی الیه شمالی پادگان است که بعنوان محدوده ۶۰۰ هکتاری شناسایی شده است.
هفتم: نحوه تصویب و اطلاع رسانی طرح: از زمان بندی نامناسب تصویب طرح (همزمانی با جابجایی شهردار ئ شروع بکار شورای شهر جدید) که بگذریم،باید به بند ۳۴ (الحاقی ۱۳۸۲/۰۷/۰۶) ماده ۷۱ وظایف شورای اسلامی شهر ذیل قانون تشکیلات وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۰۳/۰۱ اشاره کرد:

> "بررسی و تایید طرح های هادی و جامع شهرسازی و تفصیلی و حریم و محدوده قانونی شهرها پس از ارایه آن توسط شهرداری و ارسال به مرجع ذیربط قانونی جهت تصویب نهایی"

بر این اساس و با توجه به اطلاع طرح جامع شهرک نیشتمان و اعلان آن توسط مراجع ذیربط، کنترل انجام این بند توسط شورای اسلامی شهر سنندج و تشکیل جلسات کارشناسی مربوطه در این شورا (شورای دوره پنجم و ششم) قبل از تصویب در مراجع مربوطه آیا انجام شده است؟
همچنین باتوجه به لزوم اعلان طرح های شهری برای دراوّر آنکه تقدم این افزایش قیمت و ساخت و ساز در این دو سکونتگاه بسی زودتر از شروع عملیات آماده سازی شهرک مزبور است.

نهم: اهمیت نقش و حالت اراضی کشاورزی و باغات در محدوده پروژه: برابر داده های پروژه با توجه به نکته مهم دیگری بچشم می خورد: از ۴۰۳ هکتار محدوده شهرک ۱۴۴ هکتار آن اراضی ملی بوده که تحت تصرفات غیر قانونی اند و ۱۰۰ هکتار نیز در شیب های نامناسب برای بارگزاری قرار دارند. چنین آماری نشان دهنده تحقق پذیری اندک پروژه در شرایط عدم تدوین سازوکارهای نظارتی و پیشدستی سودآری بر طرح های توسعه شهریست. ۵۰ هکتار از اراضی نیز شخصی بوده که عمدتا باغ بوده و با اجرای پروژه احتمالاً تبدیل غیر قانونی این باغات در طول زمان به کاربری مسکونی را شاهد خواهیم بود.

دهم:رابطه با پتانسیل های زیستی (تپه ها و چشمه ها): در این مطالعات تاثیر اعمال ضوابط محدود کننده تپه های واقع در حریم شهر و همینطور کنترل وجود مسر چشمه ها و منتزع کردن آنها از توسعه بچشم نمی خورد که جای سوال است.
میتوان موارد متعدد و بسیار مهم دیگری همچون نقش کمرنگ و حتی بیرنگ شهرداری در مراحل تهیه و تدوین این طرح و همچنین توجه به موضوع تامین آب و عدم اظهار نظر واضح و شفاف در خصوص نحوه تامین پایدار نیاز آبی سکنه نیشتمان ازآن جمله بوده که میتوان آنها را بر این ضعف ها افزود لیکن به همین تعداد بسنده میکنم.
هم

هنر، بازی کودکانه نیست

هادی ضیاءالدینی طراح، نقاش و مجسمه ساز کردستانی در سال ۱۳۳۵ در شهر سنندج به دنیا آمد. وی از همان دوران کودکی قبل از رفتن به دبستان نقاشی را آغاز کرد و بعد از دوره ابتدایی اولین گام را در حرفه مجسمه سازی برداشت. در سال ۱۳۵۶ وارد دانشکده ی هنرهای زیبای تهران شد و مبانی هنرهای تجسمی را به صورت آکادمیک نزد اساتیدی بزرگ فرا گرفت. در حال حاضر ۲۵ مجسمه میدانی ساخته که در کردستان ایران،کردستان عراق و در شهرهای دیگر ایران مانند اصفهان و قزوین نصب شده است، مجسمه ای که در کوه آبیدر سنندج قرار دارد بزرگترین مجسمه در ایران به شمار می آید و به زودی نیز در استان خراسان رضوی مجسمه ای به ارتفاع شش متر، با عنوان گذر سیاوش در آتش که جزو اسطور ها و داستان های شاهنامه فردوسی است، در محوطه آرامگاه فردوسی نصب خواهد شد. آنچه در ادامه می خوانید گفت و گوی خبرنگار اقتصاد کلان با "استاد هادی ضیاء الدینی" طراح، نقاش و مجسمه ساز سنندجی می باشد.

برای خلق آثارهای تان از چه سبک هنری (دادائیسم، سورئالیسم، کوبیسم، رئالیسم، کلاسیک و ..) استفاده می کنید؟

از تمام سبک ها، کمتر پیش می آید هنرمند های تجسمی در تمام سبک ها فعال باشند و معمولا هر کدام سبکی را انتخاب کرده و در آن چارچوب خودش را مشغول می کند ها از نظر من انسان دورن بسیار والایی دارد که می تواند از آن بهره ببرد به همین دلیل من به نسبت موضوع و محتوایی که کار می کنم سبک کارم را هم تغییر می دهم.

از نگاه خودتان کدام یک از آثاری که خلق کرده اید خاص تر و متفاوت تر است؟

از دو لحاظ انتخاب بین آثار سخت است، اول اینکه احساس تعلق خاطر بنده به همه آن ها و دیگری جنبه موضوع و شیوه کار است، برخی از کارها خیلی باهم متفاوت اند به طور مثال مجسمه آزادی با مجسمه مسوره اردلان دو عالم متفاوت از لحاظ موضوع وتکنیک اند، اما مجسمه آزادی بعد از ۲۸ سال که نصب

شده هنوز وقتی آن را می بینم احساس رضایت دارم و با خود می گویم اگر قرار بر ساخت دوباره آن باشد بی شک همان گونه آن را خواهم ساخت.

در آثارهای تان تا چه حد سعی کرده اید که درد وغم جامعه را آشکار سازید؟

ببینید، ۹۹ درصد از کارهایم به گونه ای نیست که درد را نشان داده باشم بلکه درکنار درد و غم، امید، خوشبینی و مقاومت وجود دارد برای مثال یکی از آثاری که در حال ساخت آن می باشم تصویری از عیسی مسیح (ع) است که به صلیب کشیده شده و اثر درنداکی است اما من آن را طوری نشان داده ام که حضرت مسیح با تلاس بسیار در برابر مرگ برای آزادی مقاومت می کند.

احساس درونی خودتان تا چه اندازه بر مجسمه ها حاکم است و آن را به اثر تان منتقل می کنید؟

اساس هنر همین است، مگر می شود خانه ای بدون دیوار ساخته شود؟ بنیان و اساس هنر نیز احساسات است و در درجه اول پستگی به انسان دارد که بتواند این حس را پیدا کند و در درجه دوم بتواند این حس را منتقل کند و در اخرین درجه حس را به بیننده انتقال می دهد؛ همچنین به صداقت، عشق و علاقه به مجسمه بستگی دارد و اثری که برای هنرمند خوشایند نباشد همان احساس ناخوشایند به اثر نیز منتقل می شود.

آیا تا به حال بعد از خلق اثری احساس پشیمانی کرده اید؟

امکان دارد بخاطر عوامل کاری نسبت به کار دیگر ضعیف تر باشد ولی **من کاری را نمی سازم که دچار پشیمانی شوم.** اولین مجسمه میدانی من مجسمه چوپان بود اکنون هم از دیدن آن لذت می برم و بی نهایت نسبت به مجسمه‌های شهرهای دیگر خاص تر است و کمتر مجسمه ای در ایران پیدا می شود که این گونه ارزش های تجسمی داشته باشد.

تمام کار های میدانی شما سفارشی هستند یا خودتان هم پیشنهادهایی مطرح میکنید؟

باید سفارشی باشد ولی دو مورد پیش آمد که خودم تحت شرایطی آنها را پیشنهاد دادم، اولی مجسمه **مسوره اردلان** و دیگری مجسمه **محمد اوراز** بود، چون در میدان اوراز می خواستند یک توت فرنگی بزرگ را قرار دهند و من هم مخالفت کردم، زیرا شهرهای دیگر که مجسمه ساز ندارند چنین کارهایی می کنند و من محمد اوراز را پیشنهاد دادم چون واقعا ارزش ساختن را داشت.

هرساله در سالروز بمباران شیمیایی حلبچه نمایشگاهی برگزار می کنید واین بسیار پسندیده است، دلیل این استمرار چیست؟

مردم کردستان نسبت به این فاجعه عظیم بی توجه هستند، فاجعه ای که در عرض چند دقیقه پنج هزار انسان زابین رفت و ۱۸۲ هزار کُرد زنده به گور شد، نمایشگاهی که من برگزار می کنم موضوع آن حلبچه نیست ولی هر ساله نمایشگاه را در سالروز بمباران حلبچه برپا می کنم برای اینکه آن فاجعه در یادها باقی بماند.

هدف از ساخت مجسمه ای که در آبیدر نصب شده چیست و نماد چه چیزی است؟

همان طور که در پایه مجسمه نوشته شده است، با توافق خود سفارش دهنده بنیاد حفظ آثار و خودم ساخته شده است و عنوان آن نماد ایثار و مقاومت مردم کردستان است. در ارتباط با مسائلی که برای کردستان پیش آمده، کردستان توانست در مقابل آنها ایستادگی و مقاومت کند، نه تنها در جنگ ایران و عراق در بمباران ها و در بسیاری از مسائل دیگر نیز در طول تاریخ مقاومت های بسیاری وجود داشته و مجموعه این مسائل باعث شد نامش را نماد ایثار و مقاومت کردستان بگذاریم.

نقد هایی همچون اینکه نمادی از مرگ و عجز است و ظاهری آشفته و غمیگن بر فراز شهر دارد بر این مجسمه وجود دارد، پاسخ شما به این گونه نقد ها چیست؟

هر مجموعه ای قاعده هایی از لحاظ موضوع، ظاهر کار و محتوا و نیز استثناهایی است و یا می توانیم بگوییم اصل و فرع هایی دارد. آن چیزی که در هر اصل نامیده می شود، بیشتر خودش را نمایان می کند و مخاطب را تحت تاثیر قرار می دهد؛ از چند کیلومتری شهر که مجسمه را نگاه کنید چه تاثیری بر بیننده می گذارد؟ ابوهت و حالتی از مجسمه را میبینید که همچون کوه ایستاده و مقاوم است و هیچ چیز نمیتواند به آن آسیب بزند. این اصل مجسمه است؛ ولی متاسفانه بعضی افراد که بدبینی زیادی دارند اصل مجسمه را نادیده گرفته و جنبه تاثیر گذار آن را نمی بینند، مسئله این نیست که غم یا شادی در چه جهتی پیش می رود، هرفاجعه ای که بر سر ملتی بیاید و اگر قرار باشد تبدیل به اثر هنری شود ما باید آن را به صورت پایکوبی و شادی نشان دهیم؟! برای آنکه نشان دهیم منطقه ای بمباران شده شادی کنیم؟! اگر هنرمندی چنین کاری کند اشتباه است، اصل قضیه این است که مجسمه چه هیبتی دارد نه این که غمی درون آن است، در مجسمه دو کودک در آغوش مردی هستند که نمادی از آن فاجعه است، یعنی مقاومت از طرفی نماد فاجعه و غم است و از طرف دیگر نشان دهنده ایستادگی در برابر این فاجعه بزرگ.

ساخت آن چه مدت به طول انجامید و برای ساخت آن از چه موادی شده است؟

ساخت این مجسمه در مجموع یک سال و نیم طول کشید و جنس آن از ورق آهن است اما مجسمه های دیگر از بتن ساخته شده اند.

این مجسمه کار بسیار عظیمی بود و بزرگترین مجسمه ایران است؛ به همین خاطر یک تیم در ساخت آن دخیل بوده اند و سرپرستی این تیم بر عهده آقای **مسعود صمیمی** بود.

آینده هنر تجسمی را در کردستان چگونه می بینید؟

در کردستان ریشه این هنر بنیان نهاده شده است و کمتر جایی پیدا می شود مانند کردستان که اهل هنر و هنرجوهای توانایی داشته باشد، در کنار این مردم نیز استقبال بسیار خوبی دارند .

کارگاه های آموزشی برای علاقه مندان به این هنر برگزار می کنید؟

کمتر کسی پیدا می شود به اندازه من شاگرد داشته باشد، در سال ۱۳۵۶ وقتی به دانشگاه تهران رفتم، متوجه شدم آموزش های بسیار خوبی می دهند در تعطیلات به کردستان می آمدم و بچه ها را جمع می کردم، تدریس را شروع و تا سال ۱۳۷۰ سی نفر را راهی دانشکده های هنر کردم. در آن زمان ورود به دانشگاه ها بسیار سخت بود و اکنون نیز با نظم و ترتیب منطقی شاگردان را تربیت می کنم یعنی مبتدی ها را به نزد شاگردانم می فرستم تا پیشرفت کنند و وقتی حرفه ای شدند با خودم ارتباط برقرار می کنند.

چه کسی حامی و مشوق شما در کارهای هنری می باشد؟

همسرم **بانو مهری یزدان جو** به معنای واقعی پشتیبان من است و هیچ زنی به اندازه همسر من حامی من در هنر و زندگی نبوده است و دلیل آن این است که زنی متفاوت است تشخیصی که در رابطه با هنر دارد باعث شد همه کار های من تحت نظر او تایید نهایی شود چرا که واقعا با دیدی باز به مسائل نگاه می کنند.

کلام پایانی هادی ضیاءالدینی؟

پدر ومادر هایی هستند که نمی گذارند فرزندشان وارد رشته های هنری شوند ولی نمی دانند کسانی که اهل کار هنری هستند واقعا از زندگی لذت می برند و این لذت موجب پیشرفت و موفقیت بیشتر خواهد شد. ولی نباید هنر را بازی کودکانه ای در نظر گرفت، همانطور که افرادی می خواهند جراح یا شیمیدان شوند باید بسیار تلاش کنند، فردی هم که کارهنری انجام می دهد نیز باید همان گونه تلاش کند و هر جای انسان های تنبل نیست و اگر کسی وارد رشته هنر شود، تلاش و زحمتی را متحمل نشود بی شک ضرر خواهد کرد.

گفتگو زوزان نقشبندی

نقش هنر در تقویت روح انسان

جامعه متشکل از افراد است و تاثیرات فردی به وضوح خودشان را در جامعه نشان خواهند داد به گونه ای که توجه به یک نفر کمتر از توجه به کل جامعه ای که فرد در آن زندگی می کند را ندارد. با توجه به مراحل تاثیرگذاری هنر بر روح و روان انسانی آخرین مرحله رهایی است که انسان از خود طبیعتی که ساکن در آن است را رها شده و در نتیجه به قدرت والای روحی می رسد که حاصل این مرحله تاثیرگذاری هنرمند بر طبیعت است. هنرمند با خلق اثار در واقع امالی که در روح او نهفته است را ابراز می کند واگر این فرد دارای تاراحتی باشد می توان از اثار او به بینش ونکات آزرده دهنده در روحیه وی پی برد.

آزموده را آزمودن خطاست

جای بسی سوال است:

کسانی که در دوران همگرایی با دولت وقت و قرار گیری در جناح سیاسی حاکم، در مناصب وکالت و مسوولیت، کمترین عملکرد قابل دفاع را از خود نشان نداده اند، در دولت جدید که اساسا از طیف فکری ایشان نیست، در انتظار نمایش کدام توان نداشته اند؟

تهدید حضور مجدد برخی چهره های کم توان کردستان که بعضا فراتر از ناتوانی مدیریتی در دوران مسوولیت به عنوان نماینده و مدیر، نامشان در جمع نجومی بگیران کشور نیز ثبت شده است، جدای از تهدید تلخ تکرار گذشته، می تواند به سرعت اعتماد ایجاد شده به دولت سیزدهم و استاندار جدید در کردستان را هدف بگیرد و یک فرصت تاریخی در استفاده و همگرایی از ظرفیت های فرآموش شده کردستان را هدر بدهد.

قریب ۴ ماه از آغاز دولت سیزدهم می گذرد، این روزها انتخاب همکاران استاندار کردستان تیتر اول توجه مردم و سیاسیونی است که سالها پشت در های بسته محافل انحصاری تصمیم گیری استان، در انتظار بوده اند. جدای از انتظارات ایجاد شده در کردستان در راستای استفاده از نیرو های توانمند بومی در چینش همکاران استاندار جدید، آنچه در این ایام همچون یک تهدید جدی محل توجه است "تلاش، لابی گری و اصرار برخی نمایندگان و مدیران پیشین برای حضور و جلب اعتماد استاندار دولت سیزدهم، جهت قرار گیری در تیم کاری ایشان است" کسانی که بعضا شرایط کنونی استان به صورت مستقیم نتیجه نحوه عملکرد آنها است.

جای بسی سوال است: کسانی که در دوران همگرایی با دولت وقت و قرار گیری در جناح سیاسی حاکم، در مناصب وکالت و مسوولیت، کمترین عملکرد قابل دفاع را از خود نشان نداده اند، در دولت جدید که اساسا از طیف فکری ایشان نیست، در انتظار نمایش کدام توان نداشته اند؟

امروز تهدید حضور مجدد برخی چهره های کم توان کردستان که بعضا فراتر از ناتوانی مدیریتی در دوران مسوولیت به عنوان نماینده و مدیر، نامشان در جمع نجومی بگیران کشور نیز ثبت شده است، جدای از تهدید تلخ تکرار گذشته، می تواند به سرعت اعتماد ایجاد شده به دولت سیزدهم و استاندار جدید در کردستان را هدف بگیرد و یک فرصت تاریخی در استفاده و همگرایی از ظرفیت های فرآموش شده کردستان را هدر بدهد.

تهدید موفقیت لابی نجومی بگیران در کردستانی که از آب شرب تا بیکاری و ضعف شدید زیرساخت های توسعه و کولبری، کمرش را خم کرده است به منزله شلیک مستقیم به شقیقه امید ایجاد شده به دولت سیزدهم است، "امیدی شکننده" که این روزها به بزرگترین سرمایه کردستان به حساب می آید.

نه مانده های فرهنگ واصالت

پویا محمدی – یادداشت

فرهنگ واژه ای که از خلقت آدم تا پایان روز زیست انسانها بر روی کره خاکی همیشه مورد مناقشه خواهد بود مناقشه ای که انسان با خودش و با جامعه ای که درآن زندگی می کند. فرهنگ تنها یک حرف نیست بلکه نشان دهنده انسانیت است نشان بلوغ فکری و عقلی یک اجتماع است که بواسطه آن تمام مبانی پیشرفت های دیگر یک جامعه و یک کشور و یک منطقه بر آن بنا می گردد و همیشه بسیار کشورهایی هستند که باتوجه به پیشرفت ها و دستیابی به انواع دستاوردها در تمامی زمینه ها باز هم برای موجه نشان دادن خود به فرهنگ نیاز پیدا می کنند چون خانه ای بدون داشتن یک پی خوب نمی تواند مدت زیادی برقرار بماند و قطعا در یک رویداد خشستها و آجرهای آن فرو خواهد ریخت و فرهنگ این نقش پای بست خانه را دارد پس باید این واژه کم حرف اما بسیار عمیق را بیشتر از اینها محافظت کرد. باید آن را آراسته کرد باید آن را بپاراسته از وجود هر لوث و آلودگی کرد چون قرار است بنای یک کشور بر آن نهاده شود و اگر می بینید بعضی از کشورها با وجود پیشرفت هایی که عرض کردم در حال استحصال می مانند دلیل اصلی آن کمرنگ کردن فرهنگ است با تمام این تفاسیر باید ببینیم فرهنگ چیست و یا کیست؟ فرهنگ مجموعه ای از باورها و عقاید و قوانین و هنرها و آداب و رسوم یک اجتماع است و اگر جامعه ای در هر کدام از این موارد مشکل پیدا کند بسان ماشینی میماند که یکی از قطعات آن دچار عیوب گشته و باید حتما درصدد برطرف نمودن آن باشد و گرنه این ماشین شاید راه برود اما متاسفانه هر لحظه و در هرجا ممکن است متوقف گردد و شما را گرفتار نماید و این در مقیاس بزرگتر ممکن است یک کشور و برنامه های آن را متوقف و یا دستخوش تغییرات عدیده ای نماید و مردم و دولت را دچار سردرگمی و اتلاف انرژیی گرداند که بیشترها و قبل از رسیدن به این مرحله باید چاره ای اندیشیده می شد که متاسفانه با کم اهمیت جلوه دادن آن اثرات آن امروزها نمایان می گردد.در کشور ما با وجود تاکیدهای موکد رهبر انقلاب در مورد اشاعه درست فرهنگ و مواظبت کردن از آن مانند یک فرزند کوچک و همیشه تر و خشک آن جای بسی تاسف است که هیچ کدام از ارکان این بخش بسیار مهم را با دید دقیق و گذاشتن ذره بین بر روی نقاط قوت و تقویت آن و برطرف نمودن نقاط ضعف آن که این نقاط ضعف بمانند لکه سیاه زخمیست که با بی توجهی به آن لحظه به لحظه عمق زخم بیشتر و درمان را سختتر می نماید هر آنچه که امروز ما در جامعه شاهد آن هستیم جوانانی رشد یافته اند البته درصد زیادی که اصالت خود را نمی دانند و به فرهنگ خود نمی بالند برای سرزمین و عمل و یاد آوری آداب و رسوم خود را کسر شان خود می دانند و از آن به نیکی و یا اصلا یاد نمی کنند برای زبان خود و آموزش و یادگیری زبان چه ملی و چه مادری خود اهتمام نمی ورزند هر آنچه که یونسکو هم جامعه و قوم و ملتی که به زبانی که با آن صحبت می کند آشنایی نگارشی و قواعدی نداشته باشد آن قوم دیگر وجود نخواهد داشت. زمانی اصالت معنی پیدا می کند که فرهنگی که زمانی که نسل و دوران به دوران به تو به امانت رسیده باید در حفظ و اعتلای آن کوشا باشید باید آن را پرورده تر کنید به آن پر و بال بیشتری بدهید و آن را ماندند یک خورشید تابان بسیار زیبایی بر آسمان سایر فرهنگ ها بتابانید تا قوم و ملت تو در میان سایر کشورها و ملت ها و اقوام دیگر سر آمد گردد تا تو مقبولیت اجتماعی بیشتری بیابی تا یک جاده ابریشم جدید فرهنگی برای خود باز کنی و فرهنگت را ترانسفر کنی به اجتماعات دیگر تا تو جهانی گردی و راحتر بتوانی در جهان پیرامونت زندگی کنی باید باورهای مقبول و هنرهای مطبوع و آدابها و رسومت را رواج دهی تا همگان بدانند که در تاریخ و شکل گیری فرهنگ این کره خاکی تو و قوم و ملت و کشور تو هم نقش بسزایی داشته اند و تو می توانی با افتخار از خودت و اصالت و فرهنگ کلام بر زبان بیاوری و نقش پیشینیان و زمان حال و آیندگان نیز همین روند را در کتب تاریخی ثبت و ظبط نمایند تا این رسالت بزرگ که بر شانه های ما نهاده میشود بدرستی تحویل نسل بعد بدهیم .متاسفانه عرض کردم کوتاهی ها و کم توجهی هایی باعث شده که مردم اکنون جامعه به فرهنگ واصالت خود واقف نباشند و هر از گاهی در نزاعاهای لفظی و یا در نوشتارهای خود یاد این واژگان می افتند و اگر آنها را دایره امتحان گرد آوریم متاسفانه نه از سرگذشت و نه از بزرگان و نه از دستاوردها و نه از باورها و عقاید خود بیشتر از بیش آن را نمی دانند و اگر بعضی از هنرمندان که با توجه به سختی معیشتشان باز هم به عشق فرهنگ و به عشق هنر خود این نفسهای به شماره افتاده را هنوز زنده نگه داشته اند اصالت و فرهنگ زنتیکی نیست که نگران از دست رفتنش نباشیم اصالت و فرهنگ از نسلی به نسلی دیگر قابل انتقال است و اگر در این انتقال این فرهنگ دچار تغییر و تحولات مثبت گردد که جای بسی شعف دارد و اگر دچار تغییرات منفی گردد که متاسفانه باید نسل بعدی که امانتدار این فرهنگ است را باید نسلی بسیار باهوش و عاشق قوم و ملت خود تصور کنیم که ناخالصی ها را بزداید و گرنه دیگر هیچ باقی نمی ماند و نسل های آینده یا باید فرهنگی کمرنگ را تجربه کنند و یا با فرهنگی که آمیخته با فرهنگی دیگر شده و به آنها تحویل داده شده زندگی کنند و قطعا به سوی فرهنگ غالب کشیده خواهند شد همانطور که اکنون شاهد آن هستیم که خیلی از باورها و الگوها ی نامناسب جای خیلی از الگوهای متجلی در تمامی زمینه ها را گرفته اند ایرانی با این وسعت و زیبایی نباید دچار تغییرات گردد نباید مورد هجوم فرهنگی کشورهای دیگر قرار گیرد چون ما خودمان ناشر فرهنگ هستیم پس مسولان کمی نه زیادی باید وسواس به خرج دهند اگر کشورشان برایشان مهم است.

نگاهی به تازه‌ترین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره پایش امنیت سرمایه‌گذاری در کشور

وضعیت کردستان از نظر شاخص ملی امنیت سرمایه‌گذاری در سال ۹۹ «بدتر» از سال ۹۸ اعلام شد

سقوط ۱۸ پله‌ای جایگاه کردستان در بین استان‌های کشور در نماگر «عملکرد دولت»

مرکز پژوهش‌های مجلس تازه‌ترین گزارش پایش امنیت سرمایه‌گذاری در کشور را به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری منتشر کرد، گزارش مقایسه‌ای در حوزه سرمایه‌گذاری سال ۹۹ در کشور که شاهدی بر وضعیت اسفبار کردستان است؛ نگاهی اجمالی به این گزارش و مقایسه آن با گزارش مشابه سال ۹۸ نشان می‌دهد وضعیت کردستان در ۴ نماگر از ۷ نماگر مورد پیمایش، «بدتر» شده است.

یکی از مؤلفه‌های اصلی رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری است؛ افزایش سرمایه‌گذاری به ارتقای رقابت‌پذیری و بهره‌وری و رشد صادرات کمک می‌کند اما چشم سرمایه‌گذار، به آینده و افق بلندمدت است و سرمایه‌گذاری در بستری اتفاق می‌افتد که زمینه‌های مختلف قانونی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن فراهم باشد.

مرکز پژوهش‌های مجلس، در بخشی از گزارش پایش امنیت سرمایه‌گذاری به تفکیک استان‌ها و حوزه‌های کاری، داده‌هایی تأسف‌بار در مورد کردستان ارائه کرده است؛ تحلیل تمام آنچه در گزارش درباره استان آمده، خارج از حوصله این مقال است اما، مقایسه این گزارش با گزارش‌های بعدی مرکز پژوهش‌ها در این حوزه نشان خواهد داد کاربردستان دولت جدید، همان راه عصر بی‌"تدبیر"ی در کردستان را ادامه می‌دهند یا با تغییر رویکرد، استان را از وضعیت حاضر نجات خواهند داد.

با استناد به آنچه در گزارش آمده، بی‌انگیزه بودن سرمایه‌گذاران برای فعالیت در کردستان امری طبیعی بوده و نتیجه این وضعیت هم آن است که اهداف اصلی اقتصاد کلان، یعنی رشد اقتصادی و اشتغال هم به میزان تعیین شده در قوانین برنامه توسعه محقق نخواهد شد.

در جدول شماره ۳ گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، «رتبه‌بندی استان‌ها از نظر شاخص ملی امنیت سرمایه‌گذاری در سال ۹۹» منتشر شده که **کردستان در جایگاه ۲۵ جدول یادشده قرار دارد و این یعنی متأسفانه تنها ۶ استان کشور در این حوزه وضعیتی بدتر از کردستان دارند!** گزارش به صراحت اعلام می‌کند که وضعیت کردستان در شاخص ملی امنیت سرمایه‌گذاری در سال ۹۹ نسبت به سال ۹۸ «بدتر» شده است. در بخش ۴ گزارش هم، نتایج پژوهش انجام شده بر اساس نماگرهای هفت‌گانه امنیت سرمایه‌گذاری ارائه شده است؛ ۷ نماگر یادشده شامل «عملکرد دولت»، «ثبات اقتصاد کلان»، «شفافیت و سلامت اداری»، «تعریف و تضمین حقوق مالکیت»، «فرهنگ وفای به عهد و صداقت و درستی»، «ثبات و پیش‌بینی پذیری مقررات و رویه‌های اجرایی» و «مصونیت جان و مال شهروندان از تعرض» هستند که وضعیت کردستان در ۴ نماگر از ۷ نماگر مورد اشاره، در مقایسه با سال ۹۸ «بدتر» شده است. اینکه در بین استان‌های کشور در «نماگر عملکرد دولت» در سال ۹۹ تنها دو استان وضعیتی بدتر از کردستان دارند موضوعی است که نباید به آسانی از کنار آن گذشت؛ البته تجربه ثابت کرده این گزارش و سایر گزارش‌های مرتبط با حوزه اقتصادی و نیز حوزه نظارتی در استان، در دولت سابق چنان که باید نتوانسته تأثیر ملموسی در اصلاح عملکردها در کردستان داشته باشد اما هنوز دود است که بتوان درباره تأثیر و صد البته اعتنای استاندار جدید و تیم اقتصادی وی به این دست گزارش‌ها، قضاوت کرد.

«اسماعیل زارعی کوشا» در یکی از نخستین اظهارنظرهای خود در حوزه اقتصادی و سرمایه‌گذاری که در برنامه یک‌طرفه «رویداد» سیمای مرکز کردستان پخش شد چنین گفت: «جهت‌گیری ما در حوزه سرمایه‌گذاری و در عرصه اقتصاد این است که نگاه باید تغییر کند...

از استاندار تا همه مدیران استان باید خودشان را تدارک کننده زمینه‌های سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی استان بدانند؛ هرکس به هر دلیلی که بخواهد مانعی در مسیر این توسعه باشد باید کنار برود... ما تسهیل زمینه‌های سرمایه‌گذاری و استقبال همه‌جانبه از کسانی که قدم در مسیر تولید می‌گذارند را وظیفه می‌دانیم».

الف) این گزارش برگی دیگر از کارنامه ضعیف دولت سابق در کردستان است که مشت کاربدستان ناتوان و مسئولیت‌ناپذیر آن دولت در استان را بیش از پیش برای مردم باز می‌کند

ب) این گزارش و نظایر آن به خوبی نشان می‌دهد نمایندگان مردم کردستان در مجلس یازدهم در چه حد و اندازه‌ای به وظایف نظارتی خود عمل کرده‌اند و قصور آنها در انجام وظایف نظارتی در رقم خوردن وضع فعلی استان چه اندازه برنرگ است

ج) و سرانجام اینکه استاندار کردستان و تیم اقتصادی وی بدانند که کارنامه عملکرد آنها هم در قالب گزارش‌هایی با مستندات غیرقابل انکار منتشر می‌شود و آن زمان است که مردم درباره وعده‌هایی که به آنها داده شده به قضاوت خواهند نشست.

فرید کریمی - یادداشت

اقتصاد کشاورزی و اقتصاد استان کردستان

حامد قادرزاده - یادداشت

کلمه Agriculture به معنای کشاورزی از واژه های کهن لاتین بوده که بر مفاهیمی همچون خاک، کشت و مراقبت دلالت میکند. کشاورزی در مفهوم وسیع کلمه، به کشت و تولید محصولات گیاهی و دامی اطلاق میگردد. به طور کلّی، کلمه Agriculture را زمانی میتوان مترادف واژهی Farming در نظر گرفت که، مراد ما از به کارگیری این لغت، تولید مواد غذایی، علوفه و مواد اوّلیّه ی ارگانیک صنعتی باشد. درک صحیح واژه کشاورزی به ما این امکان را میدهد، جنبه های اقتصادی آن را تیز، مدّ نظر قرار دهیم. از سوی دیگر اقتصاد، دانشی است که در مورد به کارگیری منابع تولید به صورت کارآ، در تولید کالاهای گوناگون و توزیع آنها برای افراد یک جامعه بحث میکند. حال با دانستن مفاهیم کشاورزی و اقتصاد، قادر خواهیم بود، اقتصاد کشاورزی، یک دانش اجتماعی کاربردی است که در خصوص نحوه بهره گیری انسان از دانش فنّی و عوامل تولید کمیاب (نظیر زمین، نیروی کار، سرمایه و مدیریت) جهت تولید وتوزیع غذا و پوشاک به منظور استفاده افراد مختلف جامعه در طی زمان بحث میکند. شاخه اقتصاد کشاورزی همسو با اقتصاد، در صدد یافتن علل و آثار به کار گیری پیشرفته ترین تکنیک های اقتصادی همچون تابع تولید و مدل های برنامه ریزی میباشد. اقتصاد کشاورزی، از مفاهیم نظری اقتصاد به منظور پاسخگویی به مشکلات کشاورزی و تجارت محصولات کشاورزی بهره میگیرد. در آغاز پیدایش علم اقتصاد کشاورزی، متخصّصین این رشته صرفاً از نظریات و تئوری های اقتصادی، برای حلّ مشکلات اقتصادی بخش کشاورزی استفاده میکردند. امّا، در دوره ی معاصر و به ویژه در ربع آخر قرن نوزدهم و میانه ی قرن بیستم، موضوع اقتصاد کشاورزی در ابعاد و شاخه های فراوانی توسعه یافته است. این امر، عمدتاً ناشی از نگرانی و توجّه فزاینده به یافتن عوامل بروز رکود کشاورزی در جهان و راهکارهای برونرفت از آن میباشد. بر اساس مقدمه ارایه شده در بخش بالا، کشاورزی اقتصادی در گرو حاکمیت دانش اقتصادی در این بخش است. استان کردستان با مساحت ۲۹۱۲۷ کیلومتر مربع، که قریب ۱۰ درصد آن را زمین های زراعی، باغی، جنگل و مرتع به خود اختصاص داده اند. استان با ۱۰ شهرستان، ۳۲ شهر، ۳۱ بخش، ۸۶ دهستان، ۱۸۸۷ آبادی و ۱۶۷۴ آبادی دارای سکنه دارای، ۱۲۲۲۶۶ بهره دار (سیمای کشاورزی استان، ۱۳۹۸) جمعیتی بالغ بر ۱۶۰۳۰۱۱نفر (۷۱ درصد شهری و ۲۹ درصد روستایی) است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بر اساس آخرین آمار سازمان جهاد کشاورزی استان در سال ۱۳۹۶ بیش از ۴۱۰۵۴ میلیارد ریال برآورده شده است. از این مقدار ۱۶۰۰۹ میلیارد ریال (۳۹ درصد) به بخش زراعی، ۱۶۰۰۹ میلیارد ریال (۵۵/۲۱ درصد) به محصولات باغی و ۱۶۱۹۰ میلیارد ریال (۴۳/۴۹ درصد) به حوزه دام، طیور و آبزیان تعلق دارد. از مجموع ۱۲۱۷۰۳۸ هکتار اراضی کشاورزی سالانه ۷۷۳۱۶۱ هکتار به کشت انواع محصولات زراعی، ۴۹۲۰۸ هکتار محصولات باغی و ۳۹۴۶۶۹ هکتار آیش است. مساحت مراتع بالغ بر ۱۳۵۹۸۰۰ هکتار و وسعت جنگل های استان بالغ بر ۳۷۵۵۴۲ هکتار است. کل تولیدات استان در سال ۱۳۹۸ بالغ بر ۲۸۷۳۶۱۴ تن گزارش شده است. سهم محصولات تولید شده شامل ۲۰۸۶۰۵۱ تن (۶/۷۲ درصد) زراعی، ۴۰۰۶۷۷ تن (۹۴/۱۳ درصد) باغی و ۳۸۶۸۸۶ تن (۴۶/۱۳ درصد) تولیدات دامی است. از مجموع اراضی زراعی و باغی استان (۱۴۲۰۷۶ هکتار) فقط ۶۷/۱۱ درصد آن را زمینهای آبی و مابقی به صورت دیم است. سهم اشتغال بخش کشاورزی در کل اشتغال قریب ۳۰ درصد و قریب ۲۵ درصد از تولیدناخالص داخلی استان را به خود اختصاص داده است. بررسی آمارهای تولیدات کشاورزی در کلیه ی زیربخشه ی زراعی، باغی، دام و طیور و شیلات نشان میدهد، اقتصاد کشاورزی استان کردستان به شدت به رفتار طبیعت وابسته است. بیشتر تولیدات استان در بخش زراعی به نزولات جوی وابسته بوده و برنامه پذیری این بخش را با مشکلات جدّی مواجه نموده است. در برخی از سال بیش از ۳۶ درصد تولیدات استان را فقط محصول گندم به خود اختصاص میدهد. از آن جا که قریب ۹۴ درصد کل سطح زیرکشت گندم به صورت دیم است، آسیب پذیری اقتصاد زارعان در این بخش موضوعی نمایان و نیازمند تامل است. در بخش محصولات باغی نیز، به دلیل عدم امکان فرآوری، ناشی از پراکنده بودن تولیدات، کوچک بودن باغات، تعداد زیاد بهره برداران، مشکلات عمده بازارسانی محصولات زراعی، افزایش قابل توجه هزینه ی بسته بندی، عدم وجود راهبران اقتصادی مستقر در روستاها، سیستم واسطه گری نامطلوب، عدم درجه‌بندی، بسته بندی و نبود شناسنامه ی تولید و عدم توجه به اقتصاد سلامت، مشکلات فراوانی در مقابل آنان وجود دارد. بخش دام و طیوراستان نیز تابع سیاستهای کلان کشوری با مشکلات عمدهای مواجه شده است. به طوری که نه مصرف کنندگان و نه تولیدکنندگان این زیربخش از وضعیت مناسبی برخوردار نیستند. اگر چه تحت هیچ شرایطی نباید تلاشهای صورت گرفته بر ای افزایش تولیدات بخش کشاورزی از سوی مدیران استانی و شهرستانی و کارشناسان متخصص و متعهد نادیده گرفته شود ولی این واقعیت انکار ناپذیر هم باید بیان و به گفتمان عمومی در میان مردم و مسئولین تبدیل شود که افزایش تولید فیزیکی با مقداری به منزلهی افزایش بهره وری و بهبود شرایط اقتصادی بهره برداران نیست، بلکه بهره وری حاصل جمع کارایی و ارتبخشی است. در غیر این صورت حتی افزایش تولید میتواند ضرر ساز هم باشد. نمونه های ملموس آن در کشور کم نیستند. تولید بی برنامه محصولات جالیزی در مناطق مختلف کشور و استان علی سالهای مختلف و با نوسان زمانی مثالهای زنده و ملموس برای همه است. کشاورزی همچون هر فعالیت دیگری قابل برنامه‌ریزی و تا حدی زیادی قابل پیشبینی است. اما مشروط بر این که دانش اقتصادی در کنار دانش فنی، به عنوان امری بیبدیل توسط سیاستگذاران کلان کشوری و استانی پذیرفته شود. بر خلاف برخی از قوانین حقوقی و دولتی قوانین اقتصادی دستوری نیستند؛ بلکه اثباتی و بر پایه شناخت محیطی است. برنامه کشاورزی کشور نمیتواند به عنوان یک بسته تکلیفی و از بالا به پایین ابلاغ گردد. بیشتر قوانین اقتصادی و به ویژه در بخش کشاورزی استقرایی و از پایین به بالا است. این مفهوم همان مزیت نسبی در اقتصاد است که پایهی تجارت میان مردم، مناطق و در سطح بین المللی است. این قاعده در کل کشور به طور عام و در استان کردستان به طور خاص نادیده گرفته شده است. برای اثبات این ادعا چندین سئوال طرح میشود و پاسخ و قضاوت آن به خوانندگان واگذار میشود. آیا با افزایش تعداد مرغداری در استان و حتی کشور، تولید این محصول به سمت اقتصادی کردن فعالیت و رفاه مردم هدایت شد یا فقط مسکنی مقطعی و به شدت وابسته به درآمد ناشی از فروش دارایی‌های ملّی یعنی نفت، بوده است؟ آیا توسعه تولیدات طیور و زراعی موجب توسعه کشاورزی گردید؟ آیا برنامه های توسعه کشاورزی طی شش برنامه ۵ساله ی توسعه موج